مردم آدینه

ارگان هیئت اجرائیه موقت حزب توده ایران

مردم آدینه

نشریه ایست اجتماعی - سیاسی - هنری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول دکتر رضا رادمنش

آدینه ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷

۲۳ آوریل سال ۱۹۴۸

بهای تک فروشی چهار ریال

نمره ۱۰۰۳

کنه‌های سنگارانه زمامداران وقت برای یکه گردن عده‌زیادی از کارگران و کارمندان و تبعید آنان نهایتجه‌ای که‌خواهد داشت ترانگیختن خشم بیشتر ملت ورسوائی کامل دستگاه کنونی است. ما از همه آزادیخواهان و ایرانیان شرافتمند انتظار داریم که برای دفاع از حقوق جنه‌عده‌ای از هموطنان خود که هیچ دفعه بالکل بعبارت پوچ «مقتضیات اداری» از کار برکنار شده‌اند و بدست گرسنگی و بی‌نوائی سپرده میشوند، از هیچ سکوت در مقابل این تجاوزات در حکم محاربه با حقوق اجتماع از ساحت میدان مبارزه واجبی است.

برای رفع بعضی سوء تفاهمات بی‌اساس

[illegible]

پیروزیهای جدید جبهه دمکراسی

در ایتالیا

[illegible]

بررسی جراید

انعکاس سرمقاله ایران ما

[illegible]

سرباران ایرانی مقوائی هستند وارتش تروسک خیمه شب بازی وحافظ ارباب ولردهای نظام میباشد. بایدشالاقران عالرتبه‌را تعویض کرد وارتباط ارتش را بادربار قطع نمود. اصولا بایدارتش رامنحل کرد، زیرا میلیاردیم ازچهارجهت درسرراه ترقی ایران قدرافراشته.

اطلیحضرت بمن گفتند که اصلاحات را عقب میاندازیم واصرار کردند که مبلغ ۱۰ ملیون دلار بودجه وزارت جنگ افزوده شود

سرمقاله پرورز ایران درمعنی [illegible]

گفتگوئی با خوانندگان مقالات سینمائی مردم

انتقادات سینمائی ما چه هدفی دارد

[illegible]

انحطاط هنر در ایران وعلل آن

[illegible]

آرایش جدید مجسمه آزادی

ولی رغم حملات و تشبثات نظام حیدرآباد وحکومت کنگره هندوستان دولت آزاد ملی در نواحی آزاد شده حیدرآباد تشکیل شده است

[illegible]

تصویر تابناک لنین

[illegible]

لنین

نطق مائوتسه اوتونک رهبر حزب کمونیست چین

درباره اوضاع داخلی چین وپیشرفتهای ارتش نجات ملی در کنفرانس مرکزی حزب

[illegible]

بقیه از صفحه ۱

ارتش خلق‌های چین تحت رهبری حزب کمونیست چین با ارتش تیرومند هفت میلیونی و سلاح‌های امپریالیسم آمریکا و امتیازطلبی مساعده و وعده تحریف مقابل پرداخته است.

در دوره سه سال جنگ (از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژوئن ۱۹۴۷) ارتش خلق‌های چین تحت رهبری حزب کمونیست چین آغاز و وظیفه ضد انقلابی کومین تانگ را فاش برآب نمود.

اکنون نه تنها در مناطق آزاد شده جنگی وجود ندارد بلکه سرزمین‌های تحت کنترل کومین تانگ میدان اساسی جنگ را تشکیل میدهد.

مائوتسه اونگ پس از تشریح و توضیح مقاومت شدید و تجربه ارتش نجات‌ملی در برابر نیروهای امپریالیسم جهانی و ارتجاع کومین تانگ اظهار داشت که وضعیت جدید به شکست کامل و اعدام‌های چانکایشک منجر خواهد شد.

مائوتسه اونگ میگوید گفت ارتش نجات ملی راه پیروزی را ادامه خواهد داد. ما نوار در یک نقشه جوی قطعی حرکت میکنیم و با گامهای تند به انجام وظیفه ضد انقلابی بدست ملت کومین تانگ و استعمال غیرمارکسیستی مائوتسه اونگ پایان و هر کنیم.

این یک واقعیت قطعی است زیرا در کشوری جریان دارد که جمعیت آن بالغ بر چهارصد میلیون است و چون کشوری است که این وضعیت آغاز شده در سیر پیروزیهای قطعی ملت توسعه و تکامل خواهد یافت.

اهمیت دیگر این واقعه آنست که درباره مدارک بی‌دفعه‌ای از با جمعیت آن بالغ بر یکمیلیارد و نیم از جامعه بشریت در آن از نوع امپریالیسم و بی میکند بوقوع پیوسته است.

مائوتسه اونگ اظهار داشت که واحدهای چانکایشک با تکیه بر نیروی خود از ادامه تجاوزات و کمک‌های امریکا و بدون توجه کردن به تبلیغات صلح‌جویانه توده‌ها مواجهه شده‌اند که در ژوئن ۱۹۴۶ بین کمونیست‌ها و کومین تانگ به امضاء رسیده بود. قطعنامه شورای سیاسی منشور نیروهای که از نمایندگان دسته‌های مختلف سیاسی تشکیل یافته بود کار اپوزیسیون تلقی کرده و طرح ماجراجویانه تعرض بر علیه ارتش نجات ملی را در پیش گرفته.

جنگی که از طرف ارتش نجات ملی تعقیب میشود جنگی است میهنی، عادلانه و انقلابی که چیرا مورد پشتیبانی تمام توده ملت قرار گرفته است.

با سیاستی پیروزیهای ما در چین ساخت تجربیات ۱۸ ماهه گذشته این نظریه را کاملا رد کرده است.

در عرض ۱۷ ماه مبارزه یعنی از ژوئیه ۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۴۷ ارتشهای منظم و غیر منظم چیانکایشک جمعا ۱،۶۹۰،۰۰۰ نفر نیروی افراد خود را از دست داده‌اند.

از عده فوق ۶۴۰،۰۰۰ نفر در میدانهای جنگ کشته و یا زخمی شده و ۱،۰۵۰،۰۰۰ نفر بدست ارتش نجات‌ملی اسیر گشته‌اند.

واحدهای مارشال مکدونالد چیانکایشک و تعدادی از نیروهای ژاپنی خود را در مناطق آزاد شده منطقه و ولایت به تعرض منطقی برداشته‌اند.

مائوتسه اونگ گفت: ریشه‌ها و نیروهای ارتش نجات ملی از اعداد عادی و استراتژی صحیح است. عموما استراتژی در جهان نیروهای جنگی ارتش ارتش برعهده دشمن و نیروهای ملت چین مشخص گشته است.

اعتبار نظامی آمریکا به چیانکایشک توجه میدهد که استراتژی و تاکتیک خود را بر پایه وضع ارتش نجات ملی استوار سازد و برای همین منظور واحدهای کومین تانگ را تحت تعلیم گرفته و آنان را در اتحاد بهتر سازد و برای جنگ تامین میکند.

ولی هیچیک از این تلاش و کوششها ارتش چیانکایشک را از شکست و اضمحلال قطعی نجات نخواهد داد.

زیرا استراتژی و تاکتیک ما بر اساس جنگ توده‌ای قرار دارد و هیچ ارتش ضد توده‌ای قرار نیست و اقدامات این لحاظ با ما برابری کند.

سازمان نظامی که با کار تبلیغاتی و سیاسی و برپایه جنگ توده‌ای در ارتش نجات ملی وجود دارد نقش استراتژیک روح همکاری بین افسران و سربازان و ایجاد عرضه و تعلق بین مخالفین است علاوه بر پیروزی ما بر دشمن محسوب میشود.

در حال حاضر بین مقدمی ارتش نجات ملی وضعیت جنگ جوی بیش از همه‌ها در حال اتحاد و صمیمیت وجود دارد و این نتیجه اجتناب ناپذیر است که بین حزب ما و خلق‌های چین اختلاف‌های ارضی وجود ندارد.

سیاست ما غیر از سیاست ارتش نجات ملی و سیاست دموکراتیک نوین در کشور چین تشکیل میدهد. سیاست ما بر اساس دموکراتیک نوین استوار است و تنها این تفاوت میکند. سیاست ما متعلق به تحت رهبری حزب کمونیست قرار گیرد.

چون این رهبری محکم و استوار هیچ مانع نمیتواند استوار به سیاست دموکراتیک نوین راه پیدا کند.

مائوتسه اونگ راجع به سیاست استعماری دولت آمریکا در چین چنین توضیح داد:

در سال ۱۹۴۶ هنگامی که گروه چیانکایشک جنگ‌های تعرضی خود را آغاز کرده بود آمریکا به کمک نیروی نظامی خود دست بان عزیمت زد. امپریالیسم آمریکا بود که برای آنها پشتیبانی و اعتبار خود داشت و این هزینه گویا برعهده ترین و پرسود ترین صورت در تمام جهان بشر آنها می‌رسید.

ولی آیا امپریالیسم آمریکا امروز و بعد از دومین جنگ جهانی میتواند که چیانکایشک و دسته جهانی میتواند که چیانکایشک و دسته جهانی را در اختیار او و دسته‌های از چیانکایشک کشورهای مختلف آسیا پیروز و جنگ بوده داری قدرت و توانائی استقلال خواهد میداند و آیا میتواند که امریکا بتواند حتی با آنها در دومین جنگ امریکا در اختیار خود داشت و از امروز موجب و از امروز در مورد و تا پایان و بر گردد امریکا بتواند که در عرض چنان خواهد گرد. رفتار و پیشرفت‌های زمانی جنگ در امریکا فقط یک نمونه بود. پایان وضع روز گذر و دوباره در عرض چنان خواهد گرد.

ترجمه دانتون

مبارزه ملت ایتالیا

برای حفظ صلح و دموکراسی

گزارش «پالمیرو تولیاتی» در ششمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا

ششمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا با شرکت ۲۵۲ نماینده از طرف ۱۸۳۰۲۱ عضو در میلان تشکیل گردید. پالمیرو تولیاتی دبیر حزب کمونیست ایتالیا گزارش خود را بدین ترتیب آغاز کرد.

من فکر میکنم ملت ما با بحرانی در نظام نمایندگی است که در کنگره باید بحث کنیم.

ما کمونیستها، طبقه کارگر و ملت ایتالیا با یک موفقیت بسیار مهم روبرو هستیم. ۲۰ چنان موفقیتی که تاسا موفقیت پیچیده کنگره مقابل ندارد.

در سال از آن تاریخ میگذرد. کنون نه فقط ما باید بکار سرسختی ادامه دهیم بلکه باید بکار سرسختی ادامه دهیم و نیروهای دموکراتیک را بسوی تحلیل قرار دهیم.

در ژانویه ۱۹۴۶ بازرسی ایتالیا مجبور را پس بوجود آمد. ما بلافاصله در نخست‌ها رساندیم ولی ترک کردیم که چندین مشکل است که کار خود ما را تکمیل نمائیم.

با وجود این نیروهای کمونیست با نیرو ما وجود کردیم دیگر پیوسته در نتیجه کشور ما با داشتن قانون اساسی دموکراتی و رژیم جمهوری شد. اگر چه این قانون اساسی نوین دارای نقاط ضعف فراوانی میباشد در ابتدای سال ۱۹۴۶ کشور ما با مشکلات اقتصادی روبرو بود. تولید امروز در کار و کوشش کارگران و دهقانان آن مشکلات تا اندازه‌ای وجود ندارد.

اوضاع اقتصادی ایتالیا بهتر از دو سال پیش است، اگرچه هنوز محصولات ما به پایه سال ۱۹۳۹ نرسیده و هر خوبی هنوز را برما است عده بیکاران در کارخانه‌ها و دهات روز بروز زیادتر می‌گردد و آمارهای درست است که این موضوع را بخوبی برای ما ثابت میکند.

قیمت محصولات کشاورزی دو سال ۲۶ ۱۹۴۶ برابر قیمت سال ۱۹۳۸ میباشد، مزد کارگران کشاورز بیش از ۲۶ برابر سال ۱۹۳۸ نیست.

اجرت کارگران صنعتی ۱۰ برابر در فرار میگذاشت. در صالیکه اگر این ارقام را مقایسه کنیم می بینیم که برای بیش ۱۰ برابر از زمان فرار از جنگ ترقی کرده است.

نهضت دموکراتیک مارا بر چنین کنگره حزب بموفقیت‌های قابل توجهی روبرو نموده است. توده‌های بیشتری از طبقه کارگر متشکل شده‌اند. اعتراض کارگری فزونتر گردیده‌اند.

حزب کمونیست با رسوخ در تشکیلات توده‌ها بیشتر دو میلیون زن و مرد را متشکل کرده است.

کار های این جبهه آزادی قابل مقایسه با کارهای سالهای پیش نیست. نهضت دموکراتیک ایتالیا توانست با اتحاد برادرانه با حزب سوسیالیست وحدت طبقه کارگر را تشکیل نماید.

ما به برادران سوسیالیست عنوان سلام میکنیم و با آنها درود میفرستیم که از انتخاب در میان طبقه کارگر جلوگیری کرده برای آن اقدامات کوشش که حزب سوسیالیست داری بوده‌اند گوش در میان توسعه ایتالیا جای وجود دارد.

در ابتدای دو سال گذشته عملیات مادر عنوان بود کارهای منتهی اتحاد دو ولی باید جنبه های منفی را فراموش نمائیم باید کوشش کنیم که همراهی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایتالیا را جبران نمائیم.

هجوم ارتجاع و بسیج طبقه کارگر

ما با تمامی روبرو هستیم که بطوری در قانون اساسی ایتالیا منعکس شده است. ضعف دموکراسی ایتالیا ناشی از میراثی است که هنوز ساکن ایتالیا در پیش گرفته است زیرا بعضی آنکه منکر برخاسته (منشکل ایتالیا باشد) از بقایای ارتجاع و امپریالیزم بوجود آمده میشود.

مقاومت خودخواهانه ارتجاعی بعدها مرتبه گردیده و در نتیجه انعکاسی برای تبعیض در ارتجاع بوجود آمده است. آنچنانکه مارای هنوز ضبط کردن آخرین ریشه‌های فاشیسم و ارتجاع آنچنانکه لازم بود مبارزه را پایان برساند چرا که هنوز کار در اقتصاد به دفاع از دیدن چنین بدیده گفت که طبقه کارگر درک کرده که بایستی در برابر وجود نیروهای ارتجاعی و مخالف کار مقاومت کند.

مقاومتی گذشته: دیالکتیک و سیاسی طبقه کارگر ایتالیا بطور مرتب راست است که این مبارزه تمامی بود. می هنگامیکه دهقانان دره (ع) دست بانتخاب کارگری خواهند داشت.

مثلا در مرحله بحرانی تاریخ مورد را هر میکند در حالیکه میخواهیم که بدون رسیدن ما مورد توجه در ارتجاع قرار گرفته است.

امپریالیسم امریکا دشمن استقلال ایتالیا میباشد

تمام نیروهای دموکراسی بایستی متوجه امپریالیسم امریکا باشند نتیجه مبارزه چندین مرتبه باید جان ملت ایتالیا برای همیشه از عصر امپریالیزم باشد.

این خطر استقلال صلح کشور ما را در بر دارد.

این خطر استقلال ایتالیا را باعث میباشد.

این خطر آزادی ملت ایتالیا را نابود میکند.

البته برای دیالکتیک این است که پس از دوسالی که از جنگ میگذرد ما میگوئیم

اپتون سینکلر

نویسنده نامدار امریکا

هنر در جامعه سوسیالیستی

دنباله شماره پیش

هنر انحصاری و طبقاتی نیست بلکه متعلق به بشریت است.

هنر به بزرگ کسی است که غرور و یا حرص طبقاتی نداشته دوست داشتنی و خوش قلب باشد.

هنر عالی واقعی و آزاد تنها در جامعه سوسیالیستی و بدون طبقه امکان وجود دارد.

شلی میگوید «شعرا وجود آورنده کنگره قوانین بشری هستند» و این فقط وقتی امکان‌پذیر است که طبع سرشی و منشکاری براساس امتیازات خصوصی و جوان رحمت برسد و واضعین حقوقی قوانین که اعضاء کنگره کان نیز باشند و جهان هستند محترم شمرده شود.

تنها پیش مانوسیالیستها ، این موضوع را تائید میکردیم. ولی آنچه را که باید در نظر بگیریم وضعیت‌های شعرای سوسیالیست مانند ویلیام مورریس که بقلوب کارگران راه‌یافت میباشد.

انقلاب سوسیالیستی در روسیه بموضوع پیوست و برای برقراری و جریان‌یافتن اصول نوین ۱۲ سال وقت لازم بود. امروز در شوروی یک موسسه انتشارات بزرگ وجود دارد که میتواند نسخه از آثار نویسندگان جدید و تاریخ آزادی خواه و بشردوستدار ترجمه و فراهم‌سازی هموم فراوان دوباره انتشار بدهد. این آثار کاملا نویسنده‌ها در موسسه‌های دولتی چاپ و منتشر گردیده است این کتابها زبان قیمت چاپ میشود و در دسترس کارگران قرار میگیرند.

نویسندگان‌های کوچ کی نویسندگان جهان، نویسندگان سوسیالیستی نویسندگان اندوس جون‌دوی پیشوی و پیش‌تاز ترجمه آن هستند.

فهمیدم که مشتری تهیه صد هزار نسخه از نون جیمی هیچین که ولی توجه‌های من است میباشد و بکار گرفتن بیست ۹۰ تن که می‌ست میشود فروخته خواهد شد.

یک مجموعه از کتابهای ترجمه شده ادبیات روسیه سال‌ها پیش دارم. این لیست شامل ۱۹۱ جلد بوده که چاپ انتشار داده میباشد. یکی از بهترین موسسات انتشارات شوروی با موضوع شوروی دریائی است که مخصوص نیروی دریائی شوروی است و یک موسسه انتشارات کارگران سینمائی است. هیچ اندیشه کارگری و موسسه صنعتی در شوروی وجود ندارد که بدستگاه کارگران اندیشه باشد. در این باره‌ها در بهترین ادبیات دوازده میباشد.

بهترین مجلات و روزنامه‌ها که بوسیله تشکیلات در گری کارگران چاپ میشود و در دسترس هستند. هیچ نشانی میبرد که در موضوع‌های فرهنگی صحبت میکند در صنعت هستند. و هیچ‌چیز برنامه‌های تربیتی جای تبلیغات تجاری که در امریکا وجود دارد بعضی میکردند.

شوروی با تحمل مشقات و رنجها و قحطی‌ها در مدت چهار سال جنگ بین‌المللی و سازمان جنگ‌های داخلی که نمیتوانند باور دست‌نویس صاحب آن کشور گردیده معهذا یک هنر مترقی جدیدی را بدست آورده است.

هنرمندان و متخصصین فیلم‌برداری مانند دو گلاس فیربنکس شوروی و همه وکارهای موسیقی از دریچه دیدمستقیم می‌گوید که مادر مقایسه با شوروی چه‌ای پیش‌محسوب میشویم.

دلیل آن‌است که فیلم‌های آمریکائی تجاری است و برای فروش تهیه‌می‌شوند پایداری صحیح مشکل آن برای چند ماه ۱۲ ماه تهیه‌شده است.

این موضوع نوعی است که در مسیر از کارخانه‌های فیلم‌برداری برای استعمال مکانهای برای چندماهی مدرسه ۱۲ ماه میرسند و قسمتهای آن‌را که برای واحدها قابل‌فهم و خوش‌آیند باشد حذف میکنند.

ولی در شوروی فیلم‌برای در گسالان تهیه‌میشود. یکی از متخصصین شوروی این فن عادت فیلم‌های شوروی و امریکا را بعضو بیان میکند.

وقتی که مشاهده‌ها بیانه‌فیلمی از انقلاب فرانسه تهیه کنیم واما فیلم انقلاب است در شوروی تهیه فیلم عمل بیشتر و پیروزا تهیه وسایل میدهیم: در هر کشور شلیه‌ای در بین طبقه آگاه کارگر میان علاقه و حمایت کوشش برای تهیه

تا انقلاب کبیر اکبر میان انقلاب مارکسیونهای از انقلاب و ادبیات ایجاد هنر عمومی است به جلوه‌داری توجه و وسایل طبقاتی و تجمع نیروی خود بوده است(۱) انقلاب نوین جوهر طرق در مطرح زحمتکشان انتشار میباشد. از طرفی روشنفکران مارکسیست تشبیه‌شده از جانب دیگر، استثمار شده استثمارگر در از توسعه کاپیتالیزم جدا کارگران را بطور نیروی بوده. بجهت بدون هنر تشابهه هنرهائی که دین و مذهب و یکنگی منافع و استثمارگر و همدی گروه همکاری بین المللی بود. برای کارگران آسان میشود.

بعون انقلاب پرولتاریائی در کارخانه‌ها و در موضوعات کار، بین کارگران جمع و پیدایش دیالکتیک کمیسیون نیز در دراکی صفحه‌ها آن نمون کمک میکرد.

ملاکارگران - اعضاء شکاف، مانیفستهای سوسیالیستی را که در سایه یکاهش حقوق رعیت اقدام میکرد، کشکرده و این عمل را انقلاب خلوه‌ها محسوب میدانند. اساس اجتماعی‌گری بعضوی در مواضع وجود انقلاب بین کارگران و کارگران ولی دانه اکثریت آنها درک میکردند. البته این گذار چنین عنوی‌ی بوده که هر حال و هیئت کارگران هم آهنگ در حرکت بودند. به علاوه بر جامعه‌ی و در دوران جامعوی، صنعت کارمان کار عمدتی در کارگران در با بیت کسب علوم و جلب سال متعدد شده و از جریان مبارزه کنار میرفت.

اعضاء و انقلابیان کم و بیش با اهمیت در تمام موضعات دواجه و مقابل پایداری‌ها و جراهای در دستمین آنها را حس، با ارکار بر کشاورز اساسی آنها را در دهاری میداد لیت می‌شود. کارگران برای وضع‌ی یکرخود اعانه جمع و بعدامکان با تها کمک‌می‌کردند. حتی عمومی از سرکارگران نیز درجمع آوری اعانه شرکت و پایدیکه، باستعداد مجدد اخراج شدگان در کارخانه‌ها جانشین دیگر، کمک میشود. این نوع کمک دو میان کارگران وظیفه معنوی به شمار میرفت.

ابتدا این قبیل صنایع‌ها بطور پراکنده و غیر متشکل بود و تنها پس از توسعه جنبش‌های انقلابی و بیداری وجدان طبقاتی پرولتاریات و نیز درک موقعیت طبقاتی خود، در مقابل طبقه‌ای

صداقت، رعایت علم، کمک‌ها و کمک‌ها کاری در مبارزه، اتحاد، متشکل شدن و اینگونه خصوصیات انقلابی را بوجود آورد. این عناصر که در آنواع بوجود میآمد برای خصوصیات انقلابی موسیالیزم شد. در شرائط سرمایه‌داری این انقلاب در مقابل اصول سنگرانه و پرصابه انقلاب پرولتاری که در آن و در اساس مقابلا خوی جوانی دارند و و هر کس بکار خویش، تعدا بکار همه ، و حتی کمک خودتان ساخته‌شده خوبه ، و مقابله این قبیل پرتصبه‌های دیگر گذاشته‌میشد.

تبلیغات جریانها ، در بین کارگران ، صنع بزرگ جایت جا گذاشت.

جرات‌پذیران گشت که فقط درسایه تبلیغات مارکسیستی تشکل جوره‌های مخصوص برای اولین بار کارگران و فشکر درونه بوجود آمده.

ماتوین تبلیغات تشکیلات اجتماعات کارگران را دوریک تودشکل کرده ، اثرات تبلیغات انقلابی آنها در بین کارگران ظاهر شده و خواب‌بلندی، دوایه انقلابی به تنها روابط اجتماعی‌ها کارگر ، بلکه طرز زندگی آنها را بر تحت تاثیر قرار میداد.

باتحاد روشنفکران قبل از انقلاب بایستی بوجود آید که ، ارزشهای سابق درصحت آنها متفکرین ، شاعران ادبای صنعت و مبارزین که دوران وظیفه‌ها باتحادی کوچکه‌ها ، ظاهر شده‌است. بنابراین بوجود آمد که مارکسیستها یک جدار گروه انقلابیون بی‌آنکه بطور شایسته‌جای آنها را گرفته.

چه کسی مبارزه‌ها بین مارکسیزم وعلمیت و مباحثات در اطراف چگونگی طرق‌ترقی اقتصادیات و افکار انقلابی دوروبه ادبیات سیاسی اینجا، ۱۸۹۰ و ۱۹۰۰ را مشاهده : اصولی بودن این مبارزه‌ها در اقتصادیات انقلاب پیش‌ساخته موازی با موضوع اعتصابات در شهرها ، در شهرستانهای «مارکس» و «انگلس» صنعتیهای روستائی شروع شده بود.

(۱) آثار لنین ، جلد سی‌ام صفحه ۹ - ۴

از : م. کالنین

ترجمه‌ی : بهزادی

سیمای معنوی ملت ما

-۲-

مردان بزرگ

جواد معینی

«دانتون»

در انقلاب سه‌چیز لازم است : اول تهور دوم تهور سوم تهور

دانتون نافرصت باقی است از پاریس فرار کن والا بحبس رویت تراه‌میگیر کرده و برای گیوتین خواهم برد!!

به چه میگوئید مگر می‌توان به‌چه میگوئید مگر می‌توان مهیرا مانند کش‌پای خود بسته و بهمه‌جا برد. من هرگز از پاریس فرار نخواهم کرد

ژوئن ۲۰ ژانک دانتن درسال ۱۷۵۹ در شهر فارسی» از ایالت شامپانی متم جرمه میان گذاشت. پدر دانتن نماینده و وکیل شهرداری بود که در رنج مالیکی فرزند ان جلم از جهان برست. دانتن پس از مدارس در تحت حمایت مادر علم و تربیت یافت و از اوان کودکی بورزش خصوصا چوگان و شمشیربازی وغنا علاقه بود. مدرسه وقت ورزی در حین غنا در دبیکی در جهای باشیل مرخودرا از آب بیرون آورده و فریاد کشید.

دانی کاج پدر جوی مستحکم آن برای ما یک‌صنایع و شکنجه بزرگی شده است آیا روزی خرمان خواهم‌داد که آنرا باضربات بیل و کلنگ درهم‌وخرد نمایند؟

خود دانتن‌را یک آموزشگاه مذهبی برای تحصیل علوم دینی میپرداخت و تروح مرکلی وآزادی طلب او از کشیشان متنفر بوده. پس از چندسالی در اثر اصرار زیاد ، مادرش وپدرا در آموزشگاه غیرروحانی شهر «نروی» گذاشت و دانتن در این آموزشگاه توانست باآزادی و فراغ بال کتب سیاسی خصوصا آثار مورخین بزرگ‌را مطالعه کند. دانتن پس ازپایان یافتن دوره آموزشگاه عازم پاریس شد و مدتی علم وکالت را آموخت و سپس بشهر «رمس» نزد مادرش مراجعت کرد و بوکالت دعاوی پرداخت چندی بعد مجددا پاریس رفت ولی وکالت او رونق نگرفت بطوریکه تامین ضروریات زندگی خویش هم قادر نبود و اگرهم رفایش از راه‌ترحم وشفقت ویرا سوی موکلین ثروتمند وغنی هدایت میکردند درجواب میگفت «درمان فقیر وناتوان کارزندگانی ایشان فرض رنج و دردسات بیشتر» پشتیبانی وحمایت ما بازمه میباشد و باید حقوق آنها مورد توجه قرار گیرد.»

درسال ۱۷۸۷ وکالت دعاوی دولت را قبول و پس‌از چندی با دختر یکی‌از بیه نوانگران ازدواج کرد و بزندگانی نامنظم خود سروصورتی داد.

جان سیاسی دانتون از دهم اوت ۱۷۹۲ شروع شد زیرا سالهای اوائل انقلاب جدا صوبت ساده در کلوب «کوردلیه‌ها» و ایراد چند نطق قابلیت شایان توجهی نداشت. در ۳۱ ژانویه ۱۷۹۱ دانتن از طریق انتخابات بدیر یکی از بخش‌های پاریس شد و سپس بصوبت کلوب ژاکوبن‌ها درآمد. پس از نصب قرار اولی شانزدهم که درطب ۲۰ ژوئن ۱۷۹۱ اتفاق افتاد ولیس در «وارن» دستگیر وبپاریت بر گردانده شد. صدای بشنهاد کرده که سوگند وفاداری یاد کند ولی دانتون گفت «وفاداری «وارن» هرگز نمیتواند پادشاه انقلاب باشد.»

بعد از طغیان ۱۰ اوت و سقوط «تولری» بجهت انقلابیون دول‌اطریش و پروس بجریان‌کار قدراران شامپو ترتیبی درمرزهای فرانسه رخنه کرده و آماده هجوم بطرف پاریس بودند در این هنگام دانتون که درمقابل ماکسیمالیست پاریس بودیم‌داشت مبادا دشمنان خارجی از اختلاف بین کمون‌وجنس استفاده کرده و آزادیخواهان و کمون راسنگون سازند تقاضای اعلام خطر مطلب بنمایندگان چنین اظهار کرد.

«این همان صدای و اختلاف میان ملاست که صدای شنیدن را جامل میهن میپرستان می‌کند برای صلح و پیروزی باید متحد بود وازخود فهم است نشان داد.»

در ۲۰ توامبر کنوانسیون دانتون رابسمت پاریس خارج نمایند «باید یک فرستاد تا اوضاع نیروهای فرانسه را مشاهده نموده بکنوانسیون گزارش دهد دانتون پس از بازگشت ازاین ماموریت پیشنهاد خودرا راجع‌ل محاکمه پادشاه و کیفر او تقدیم کنوانسیون کردوچندی بعد دوباره برای تهیه زمینه اتحاد بلژیک و فرانسه مسافرتی به بلژیک نمود ودر مراجعت شنید کارون بسوقایش محروم میان گفته‌است.

از تاریخ ۱۰ اوت تاهنگام افتتاح مجلس کنوانسیون که یکماه‌ونیم بطول انجامید جز «کمون» که دوراس‌آن دانتون بود قدرتی وجودنداشت درهمین زمان‌قضیه «هجوم به‌تولری» اتفاق افتاد وصدها بسیاری از همکاران شاه و درباریان و نگهبانان سویسی بقتل‌رسیده وبنیه دیگر و توقیف شده بطوری که‌دوزخ‌ها جای‌خالی باقی‌نماند.

کمون فورا تشکیل محکمه انقلابی را اعلام داشته و بجا که مهیمن پرداخت ولی مردم بسیاستمدار بسیاران سیاسی نشسته خود پرداختها هجوم برده وبزندگی آنان خاتمه دادند. این موضوع باعث شکاف قضایی دو حزب زیردستی وژاکوبن ازیکدیگر شد.

طبق کلی عدم شفا صحیح و خود خواهی وریاست‌طلبی میرانی‌انقلاب کبیر فرانسه وهم آن بودکه در ۱۳ اوت ۱۷۹۳ در کنوانسیون گفت «پیدا صلح تضمین حروت اجتماعی تریبات» ودواوا خرمان سال تمایلات اجتماعی‌را در کشورفرانسه برقرار کرد.

م. راوندی

مسائل اجتماعی

سیر زنان بسوی آزادی

غیر از دوره کمون اولیه که تحت تاثیر شرایط‌اقتصادی زنان‌دارای‌قدرت و احترام مطلق بوده در سایر ادوار تاریخی مخصوصا دوره تمدن‌جدید بعلت شرکت‌داشتن زنان در فعالیتهای موثر اقتصادی از آزادی و استقلال و ارزش اجتماعی زنان کاسته شده‌و احترامات و عبادات بی‌مثر جای موقعیت‌دیرین آنان راگرفت - در این دوره خانواده «موتوگامیه» برپایه وحدت‌زوج‌وزوجه بوجودآمد.

و اساس خانواده برپایه قدرت‌مرد استوار گردیده وحس‌زن باسارت‌اقتصادی جنس مرد درآمد وعملا بعلت شرایط غلط اقتصادی نشاط‌روح رابافت ، در نتیجه ترقی صنعت وتجارت ورشد رژیم سرمایه داری همه‌چیزحتی‌مثل‌زنان‌نیز بصورت کالادرآمد.

با اینکه‌در این‌دوره‌نظام‌ازدواج برحایت‌طرفین صورت میگیرد ولی‌عملا بیش از هرچیز شرایط اقتصادی ورضع مادی را مورد نظر قرار میدهند چنین در دنیای‌سرمایه‌داری گسترازدواج برپایه عشق خیلی در طرف صورت‌بی گیرد.

عدم شرکت زنان در فعالیت های موثر اقتصادی سبب‌محدودیت آنان از مداخله در امور سیاسی و اجتماعی گردید. چون انگلستان قبل‌ازسایر ممالک دوراه دموکراسی سرمایه داری پیش رفته زنان این‌مملکت قبل‌ازدیگران برای تامین حقوق اجتماعی‌مبارزه بر خاسته و باوجود مبارزات اجتماعی تا سال ۱۹۰۲ فقط ۹ آنان حق داده‌شده بود که در انتخابات شهرداری شرکت جوید ، ولی مبارزات اجتماعی‌آنان‌در سالهای بعد سبب گردید که تساوی‌حقوق مردوزن در انتخابات درسال ۱۹۲۸ به تصویب برسد و ازاین‌پس‌زن‌و مرد‌ای که واجد شرایط خاص بوده‌میتوانستند در امر انتخابات شرکت جویند ولی نباید فراموش کرد که قبل ازانگلستان در سرزمین شوروی در نتیجه انقلاب عظیم اکتبر ۱۹۱۷ تساوی‌حقوق مرد و زن در کلیه شئون اقتصادی و سیاسی بموجب قانون اساسی تامین شده‌بود وهمین جریان به پیداری زنان سایر کشورها و تحریک آنان دوراه تامین حقوق‌فردی‌واجتماعی کمک فراوان نمود.

نقش زن در اجتماع سوسیالیستی

امروز در کشورشوروی که‌سازمان آن براساس سوسیالیسم علمی استوار است کلیه‌راه‌های ترقی ویشرفت‌بروی زنان بازاست بموجب ماده ۱۱۲ قانون اساسی «زن درشوروی درتمام شئون زندگی اقتصادی فرهنگی‌وسیاسی‌دارای حقوق‌مساوی باموداست» - درنتیجه این آزادی واختیاری که قانون برای زنان درنظر گرفته زنان شوروی می توانند بهدانی ، معلم ، طبیب ، هنرپیشه یاهنرآموزه شوند ودرهرشعبه از فعالیت های اجتماعی بعضای فرق واستعداد خویش شرکت جویند.

زنان شوروی برخلاف کشورهای سرمایه‌داری حضور موثردراموراجتماعی کشور خودمداخله دارند چنانکه‌امروز ۱۷۰۰ زن بنابه گی‌شورای عالی‌اتحاد جماهیرشوروی و ۱۰۶ هزارزن‌بعضویت شورواهای محلی برگزیده شده‌اند.

مداخله زنان درفرشه‌های فرهنگی اقتصادی ونظامی و شرکت آنان در فعالیتهای عمومی بحدی است که‌امروز ۴۲ درصد مجموع متخصصین عالیرتبه شوروی‌را زنان تشکیل میدهند. عده درصنعت ساختمان وحمل‌ونقل‌قریب ۱۰ هزار زن بدست‌میدهند ومشکل‌ترین‌مسائل میباشد قبل ازانقلاب ، اینرخط بهزنان کارکنان فرهنگی زن بوده ولی‌امروز یک‌میلیون و ۳۰۰ هزارزن در موسسات فرهنگی بعدت مشغوله ، باینجهت‌درعین ازنابرابری‌شروع شده است که زنان شوروی بکسب « آزادی اقتصادی » توفیق یافته‌اند وازثمره کارخویش بهره میگیرند ودیگر ازپدرومادر و شوهر خود جمله سرزنش آمیزنمی‌شنوند - باین ترتیب تنها امروز ازنظام‌ظالم شوره ترادی‌بی حبس وشکنجه زنان ، عروسی اجباری دختران نابالغ ، تعدد‌زوجات‌وروبرو دختران‌فروش صورت اثری‌باقی‌نمانده بلکه امروز در نتیجه اجرای اصول سوسیالیستی زنان شوروی درمرکزعمومی قلل ترقی و کمال نسبت بسایرزنان‌عالم قرارگرفته‌اند.

زن درایران

درمملکت‌ما وسایر ممالک اسلامی وکشورهای مستعمره‌ونیمه‌مستعمره، بعلت عقب‌ماندگی طرز تولیدوروسوخ میاشد خود استثماری و عدم توجه مردم به تحولات جدید اجتماعی در وضع‌زنان نسبت بقرون پیش چیزمحسوسی حاصل نشده‌بلکه‌دراین‌ممالک بموازات‌تغییراتی که‌به‌اقتضای‌به نهضت ناقص بورژوازی حاصل شده‌است ، فروضع ظاهری‌زنان وحتی قوانین مربوط به‌آنان تغییراتی روی‌داده است ، یعنی اگر تاپیش‌ی پیش بالجازه قانون دختران نابالغ وادوس بمالکی شوهر میدادند ، پس از طلاق بعده دیگری در میآوردند.

امروز بموجب قانون‌سن زناشوئی برای دختران‌۱۶ سال است ولی‌درورزم مملکت مابادختران ۱۴ ن‌حقدی ودرمان میتوانند حیلی‌غیر قانونی وغلط قانی‌نیشود مردی‌نمی‌تواند هروقت اراده کند زوجه‌ا زوجات خودرا مطلقه سازد وحالیکه زن‌در موضیکه شوهرازپرداخت‌ضروری ترین هزینه زندگی‌احتیاج ورزده‌نمی‌تواند تقاضای طلاق نماید.

این نوع قوانین ظالمانه‌ویکطرفی که‌در نتیجه اسارت اقتصادی زنان‌تهیه وتدوین‌شده‌است بروح قضاه‌ایران وسایر ممالک بورژوائی که‌بسیار کرده است ، فدراسیون‌بین‌المللی زنان- روز هشتم‌مارس دوازر مبارزه پرداخت‌زنان آزادیخواه جهان روز جشن بین‌المللی زنان دنیا اعلام شده در این روز زنان آزادیخواه کلیه‌ملل جهان به‌اقامه جشن وشادی مبادرت میکنند.

زنان‌ایران‌پس ازمدت‌شهریور ۲۰ با استفاده از آزادی ناشی که بر اثر شرایط بین‌المللی حاصل شده بود ، باجاد تشکیلات وتوسعه سازمان دموکراتیک‌زنان‌اقدام کردند و ازراه‌نشریات وانتشارکتب کمونیش زنان‌ایران‌را بحقوق‌ووظایف اجتماعی خود واقف ساخته و پس از تشکیل

ترجمه از: «دوروتا نایه ادبی»

یکاترینا تولوا

مباحثه‌ئی در باره مفهوم زیبائی،

پاسخ نامه یک دوست آمریکائی

چندروز پیش نامه‌ای از یکی دوستان دریافت کردم. یک خانم آمریکائی که چندی پیش در شوروی بوده است، می‌نویسد:

«... در مملکت ما حکومت تروریست برقرار است، شما نمی‌توانید تصور بکنید که دمکراسی کودتائی تا چه اندازه در اینجا قوی شده است.

این واقعا قابل تاسف است. مردمیکه، قبل از این یک عده اقلیت از اینکه با آنها هم در جریان نهضتهای مترقی بر ضد فاشیسم کنون در مبارزه کنار هم جوشی میکنند، شما نمی‌توانید تصور بکنید «غنه‌ها» چگونه در اینجا ریشه می‌گیرد.

مردم اصولا میترسند بگویند که این غنه‌ها قرار است چه کسی است که آنها بخواهند وقتی که من خواهم دامنه این غنه را آشکار کنم و بگویم که این برای آدم‌ها و کشورهای دمکراسی اروپا است دعا نمرا عمل میکنند. و همچنین مبارزه با وسیله‌های توجه کننده بر علیه شوروی بسیار محدود است.»

دوست آمریکائی من!

حدا اینکه نامه شما واصل شد من شما را بهتر از روزهائی که در مسکو اقامت داشتید و اگر پذیرفته باشید صحبت‌هایم با شما جور در می‌آمد شاعر و اینکه بین ما دیگر شده‌اید.

آن روزها شاید بیشتر روزهای اول، دانستید که در دیگر ما در احساسها اختلاف هست و به‌بحث‌های زیادی را با نظرهای مختلف میگریم و شاید بیشتر دعوای عقلی و ادراک عقلی غیر میکنیم.

در بحث های خود «احساس سنگین» میشویم. و این مسئله از اولین نگاه در یکی از موزه‌های مسکو تجربه شد. شما در جلوی تابلوی نقاش فرانسوی قرن نهم «دما در مقابل نهار» ایستادید. نقاش نهاد زن جسته و زیبا را با صورتی که در آن آثار یاس و زبون خواسته میشد و چشمهای تیره و گوف آبایکه بر اراده آوران شده بودند ماهرانه تصویر کرده بود. در یک های باحرارت و حیرت انگیز» و در پائین مخلوقی که در میان آن زن مشاهده میشد شما را، چیزی ناراحت کرد. از قرار چنین جهت در من از شکوی کرد. من گفتم که ایران را نمیدانم اما به سخن خودتا کاشف کردم.

و بعدی گفتم شکی است اولشکل باشد، اما بطرز من زیبائی او خوش آینده است؟»

حقیقت، با پیشتر میتوانی مطبع و مانوس آن زن در من حاضر، تنهی را پیدا کرد و احساس و تعجب نسبت به نقاش در خود احساس نمودم. من خواستم خاطر بیاورم که این احساس از کجا در من پیدا شد و این موضوع برایم قدم افزود. شما با لحن سخن به آهنگی از من پرسیدید که میتوانم کجا تعلیم هنری گرفته ام؟

آن روز یک داستان تاهیر دیگری در خاطره من تنی بست. من خواستم که یادگار کوچکی که امریکائیها دوست دارند بشما بخشم. چه چیزی بهتر از مناره سرخ بود که من آنرا بشما بخشیدم. شما خاطر دارید، که یکوقت برای شما داستانی دختری را که مناره سرخی در روی کلاه‌ایش خودنمائی میکرد که نقل کردم. نامدختر لیلا کولتوا بود. شاید و عیلی ساده آنقدر در خیابان پیوفیده. از پیرف مسکو در سال ۱۹۴۱ و وقتی که از طرف دشمن حمله‌هوائی شروع شده بود. هر یک از ما اجازه‌نامه‌ای داشتیم. یکی اجازه‌نامه فارغ‌التحصیلی و اجازه‌نامه عبور پیراز ساعت ۲۴ در مسکو و دیگری اجازه‌نامه ورود به اجازه‌نامه عبور در موقعیت ورود به شهر کنار جمع میکردیم که ورود در بسته خود بریم.

ما از یک طرف میرفتیم و دوروز روشنائی تورانگرها میتابانه هر راهم را که دختری بود جوان و زیبا، با کلاه‌ای خاص و دارای مناره سرخ مشاهده کرد، با وجود همکاری دخت و قد بلند، بی‌نیازی کوچکی داشت.

دارای صورت پهن و دماغ کوچکی و دو در آن آب، نظر بسیار تنگ میانه. پس از آن لیلا کولتوا در مقابل چه دشمن، پاهای اجبارا مقهور ساخته و در من دود برای دمکده کوچک شوروی و به پا کشته شد.

لیلا کولتوا پیاس مبارزه دوره آزادی چین جوان قهرمان انقلاب شوروی مقهور شد.

رفقا جنگجوی او، ستارمسر غرور کاو هیچ‌ه‌ر کلاه خود داشتند، از ام فرستاده...

پس از خروج از دوره‌ی آزوده دختر بود و را استاد دیوار بلند نشان دادم ولی در قیافه‌شما اثری از اضطراب و علاقه مشاهده نکردم.

شما آن ستاره را دوست خود چه جاده و پس از دقیقه‌ای از من خواهش کردید که برای دختران شجاع خودرسی بیوان جدید بخرم. شما گفتید که دو زد دختران چنین شجاعی از انگلستان و از فرانسه و دیگر مسائله کاملا در آنجا ساکن بودید و بوده‌اید. کلیه دوستم با شما بدید و از خروجها و شکل شجاعتهای خودرسی استعدادهای خود را توسعه خواهند داد و خود را عادت خواهند داد تا بهبود زیبائی را درک کند.» من خواهش شما را برآورده. و پس از آن تا دیر باشد نامه اخیر شما من نمیخواستم و شاید بهتر میدانستم که صحبت خود را در باره‌ی چگونه من تعلیم هنری کرده‌ام، ادامه دهم.

اما اکنون من به سئوال اساسی‌تر آمیز شما جواب میدهم.

در این باره جنگ کبیر میهنی من چیزهای زیادی داد.

من زیبائی از خود گذشتگی زیاد کشور میانسنگی و عشق قهرمانانه نورا دیدم. آری من با این ترتیب زیبائی مادرانی را مشاهده کردم چقدر از زنان مادر دانگی و شجاعت غیر قابل وصف را در باره بادشمنان و همه‌ی بازش سرخ و دوستهای پاکوتیزانی نشان داده.

«... من در این باره سخن نمیگویم که میتوانستم در کتابهای را با صبح آوری خروسهای اسباب بازی توسعه داد اما بدین نظر شما را در این باره خوب تشخیص داده باشم و شاید برای اینست که در مواقعی که در مرحله اشکال گوناگون سنجاقهای خروسی را یاد میگرفت و مشرح است من، شیطانی‌ترین «خروسهای سرخ» پس آتش سوز بهای جنگ میلرزید.

جنگ چیزهای زیادی بما آموخت. اما تعلیم هنری من خیلی زود در شروع شده بود. مدتی کوتاهی بودم که در لیه‌های وسیع من زیبائی نوشتن و حالات دسته‌های دوبدی را میدیدم. و من در وقایع یاد گرفتم تا در اقلیم زیبائی آزادی و سیمی که در از مبارزه رقابتی زور گرفتن پیشتر ما و سیمیاست. از رنگ‌ها نشوم.

و بعدی شعله‌های کارخانه «ویتاپو» بنام کیروف را مشاهده کردم.

در آنجا من قرار را میدیدم که خوب شعوی گوناگون مانند خورشید نابی بهر میرسد و لیاقه‌های جگر گرانها را زیر شعله‌های «خورشید سایح» سالم، خوشحال و مرتب دانسته می‌دیدم.

و نقیک عودم در کارخانه کار کردم، احساس خوشحالی از آزادی کار دستی نمودم. آخر هر تابه یکوقتی مثل ساعتهای کارخانه‌های شما، نمیخواهند که من زن هستم و از «جنس بد» بشمار میروم. در آن وقت من حتی نمیخواستم

یزدان ضیاءالدین دهشیری

هر انسان حاضر است که جانرا فدا کند

دشمن زیسته شعله در ایران ما که
بود پلید مرگ بهر سو صدا که
نمده و حس و زحر و تو رو زاد مسروح
تا خویش امتداده می منها که
اگر جبر ناکوش و امارت مده که شعبه
خودرا جمال و مال تو فرمانروا که
امروز مسیر و کوشش و ایمان و عزمها
در گونه‌ای شدن و راسی شدن سرک
ما را رچنانه رنج و مدلت رها که
اوضاع روزگار کجا اقدما که ؟
درفکر چاره بودن و کوشش نه‌اشتن
کی‌درد های مهلک مارا دوا که ؟
باروی با شهامت و ایمان و پشتکار
باید همیشه حاضر ما را روا که
تاچند میکروبو مدایان دور دور
هر گونه ملی‌وحشت و حمایت پاکه؟
تاچند ظلم و جهل مسلط بعلم و عقل
تا کی بشر عادت میم و ملا که ؟
کی‌درد باشهامت و عمل و کاردان
خودرا بدین‌اسارت و ذلت رضا که ؟
آنکس بنامراه تکامل نهد قدم
افکار کهنه را همه از خود جدا که
خربه ای گروه‌میهنکش قدم به پیش
سرچشمه شما گسیره از کار واکه
مرد خرد براه مساوات و عدل و داد
هر لحظه حاضر است که جانرا فدا که

تصور آنرا نکنم که هم اکنون در مملکت شما جاری است. آنجائیکه تا امروز زن در مقابل کار مساوی با مرد، نصف مزد را دریافت میدارد، من آنوقت فکر میکردم که، ممکن است زیرا آنطور که در بحثی از جمهوریهای مملکت شما صبحت است از زندگی اجتماعی بر کنار شود.

در بین ما، کارگران، دهقانان، مسلمین و مترقیان در دولت شرکت میکنند... در میان نمایندگان شورای عالی شوروی ۲۲۷ زن است. بیش از ۱۲۰۰ زن نمایندگان شورای‌های جمهوری مختلف بشمار میروند.

میتوانم با به ما امکان آموزش داده آیا سالن کتابخانه لنین را بخاطر دارید شاعر آنجا دیده و صدای غش غش هزاران مطورورا شنیده و چهره‌های برقی جوانرا با پوشش سرزنگی مشاهده کردید که در زیر آنها دوشیزگان و جوانان با تشجیع در جریان مطالعه فرورفته بودند؟

شما برای من نقل میکردید که چندی قبل در کلوب دانشگاه هاروارد روزه‌ای برای زنان متخصص اختصاص داده شده، و در جمعیت متخصصین اختصاص داده نیویورک ورود برای زنان ممنوع است زیرا گفتاس این جمعیت در دانشگاه ایالتی بمل می‌آید که در آنجا ورود برای زنان قانونی است.

من نمیتوانم مقایسه کنم. در جمهوری بیش از ۲۵۰،۰۰۰ (۵ میلیون) تکنیسین و ۱۰۰،۰۰۰ (یکصد) ژنیسیت ۲۶۶،۰۰۰ مطبعه وجود دارند. بین ما زنان شوروی ۳۰،۰۰۰ کارگران علمی هستند و فقط در مرکز جمال اخیر ۱۲۵ زن دانشگاه و گرای علوم بنظر عضاء.

اما بهتر از همه اینست که زن آکادمیک و همچنین زن ۱۰ ساله کارگر ما بایک دمکراسی مجهز شده‌اند و آن بحث به مرد است.

من روزنامه‌ها و مجلات شما را میخوانم. چندی پیش در یک نشریه نقاش در ایالت و اندیس هوم (ورنال) مسئله «میجان انگیزی» مطرح بود.

«مسگیی یک دوشیزه چقدر باید باشد - بیست ایده‌آل دانشجویان امریکا؟»

واگزیت جواب دهنده گان باین سئوال «بیو وطنی» طرفداران بود که بطور زیاد باید ۱۱۰ نوشته‌سنگی داشته باشد.

روزنامه‌ها و مجلات بورژوازی و خواننده گان خود میاموزند که زیبائی غنه و دمبی است که مشتری زیادی داشته باشد. یکوقتی در وجنت مدیریت که مجله مرتبه‌داران اختراعات در مطبعه‌ای زیاد ای، زیبا ۴ جمله‌ای را بایان موارد با عنایت که آن چه‌ترتیب میدهیم. خوشبختی راهنمای دوست گردید اینجا به او خوش شد. تو با موسیقه و دندان‌بازی بسوی خود نگاه میکرد و میخواست خودرا نشان جلوه گر سازد میتوانیم با او صحبت کرد و او گفت آخرین پول خودرا برای آرایش در مطبعه‌ای داده تا پیراز آنکه و نشان، که بتواند کاری برای خودرا کند. و این مجله را نشان کرد.

من با مجله در توان مرحله نهارا از کار بیرون کردند. این مجله‌را با همکاری بزبان راند. من متوجه‌شدم که طرف صحبت‌من دوباره با چشمان مسیر بیاری ۲ آینه نگاه کرد. چشمان او بر پرده لباس آویخته و صورتش نشان میداد که احساس با نتیجه نرسید. اینجا بکار دیگر صحبت شما در مقابل پرده‌ای غرق بخاطره آمد.

آری اینست آن «زیبائی مطلوب» که توسط حامیان دلار بما بیان ادامه داده است.

برای اینست که وقتی من باین تابلو نگاه کردم و آن زن را مشاهده وی چهره‌را دیدم در من احساس اعتراض و غصب هویدا شد.

اما باید اینکه شما برایم فرستادید - مرا بتعجب انداخت و در ذهن من حال مرتب‌ساز کرد. در آن آهنگ شنیده‌شد که فلاندرشا وجود داشت. من غصب و کوشش برای مبارزه‌را در شما مشاهده کردم.

نامه شما نامه است که در مقابل موج سیاه ارجاع که اکنون در مملکت شما ریشه دوانیده است موج اعتراض بلند شده و بهمت آزادی توسعه پیدا میکند.

شاید اکنون شما، مثل زیبائی و مفهوم مطلق امروز مرا درک میکنید.

برای ما مطمئن‌ترین مبارزات بشر دوستانه، در راه خوشبختی مردم است.

ترجمه عبد عباس‌زاده

پلنوم کمیته ۲ سازمان جوانان توده تهران

در جلسه سوم اردیبهشت پلنوم کمیته ۲ ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر در کلوب مرکزی تشکیل خواهد شد تمام مسئولین مربوط باید در ساعت مقرر بدون تاخیر در جلسه حضور بهم رسانند.

کمیته دو تهران

دخترک بیابان

بقیه از شماره پیش

از نگاهای فرامراه پیاده میشدند صدای اعتراض از تکلم روسی میشنو میگردید. مریم میخندید و همی نشست دورنمای آینده اورا از درک حسال بازداشته بود.

در سالی که سرنامه و معارف دیگر را در دست میفشرد از پله کان آکادمی بالا رفت همه چیز آجا بشکل سنگ میدید. فروش معمل و امروزها - امکانی روشنائی پیچ‌های بلند - استانهائی برایش ویژه و مستازد و. مثیم از فرط خوشحالی باطاق کنسون پذیرش آکادمی وارد شد.

این است - درسال ارائه دادن سرنامه بزبان اریکی گفت برای تحصیل آمده ام.

اعضاء کنسون با تعجب باین دختر بارپشانام که آزمنامه بازبان تورمانی خود تکلم میشود نظری افکنده. به آنها حرف مریم واضح نمیپیدند و به مریم گفتار آنها را درک میکرد. او باحالت عصبانی بوسیله انگشتان عده روزهای سفر نشرا و مدتی که با انتظار چین فرسی بوده است نشان میداد و تقاضا داشت هرچه زودتر اورا بپرسند و معلوم نه کی برایش تعیین نمایند بالاخره بوسیله مریم باو تهیه‌شده که داستان زبان روسی برافروزد به آکادمی شرط حتمی است. مریم زبان روسی نمیدانست او داشته کارگری از یکستان را با بار ساده بود.

بالطبیعت بنسی که زیاد ساز و مایوس نشود باو گوشزد نمودند که به محلش مراجعت و از آموختن زبان روسی بکشان دیگر باز گردد.

برای مریم بیش از سه صورغیر منتظر بود باش شده‌ی اورا فراگرفت موقع مراجعت باینکاه‌را آمن باصدای اند رازوان میکرد بنسی که راننده اتومبیل متوجه شده باو اظهار داشت دخترجان اگر بمرضه دچار شده‌اید به بیمارستان ببرم.»

از ناشکیبه مریم را به آنجا چنان فرستاده وزد آنجا هم تعریض میشود وهم میدرفت «آخرین اشاره» اداره رادیوی معنی بود. کارش از ساعت ۶ صبح شروع و تا پاسی سه ربیه شب ادامه داشت. برای آموختن زبان روسی دیگر وقتی باقی نمیماند.

نیکلاوچیکو کارمند اداره رادیو در خرچشمان مریم آتش خاموش نشدنی را چنین مشاهده میشود با اشتیاق پیکشش شاشت متاسفانه این انسان نیکاهش از هرگونه خصلت آموزگاری بی بهره بود. بیمارساده با صدا بمریم زبان میآموخت. ملایا شان دادن پنجره کلمه «پنجره» را ادا میکرد. مریم آنرا تکرار میشود. اوایل چاردوش خانه یافت. مریم از توقعه مفرنبود از نو تمرین سامت طولانی را طی کرد از او بهیچ چیز متوجه نبود و فشیش از شدت وحشت دود میگرفت ولی او تصمیم گرفته بود دیگر بهیچ پستی برنگردد.

تصمیم گرفته بود نزد کروپکاپا رفته و تقاضای مساعدت نماید.

هنگام ملاقات کروپکاپا در مسکو مریم گمان و جلادتی را که قبلا تهیه کرده بود از خاطر برد. در مقابل خود زنی مسن گشاده چهره با دستانی نرم و مادرانه مشاهده نمود زبانش شکسته افتاد.

آه - قلب من «اولین کلمه» را بزبان اریکی ادا نمود و وحشت سراپایش را فراگرفت.

ولی کروپکاپا مریم را نزد خود خواند.

مانند اینکه با دخترچه سروکار داشته باشد «خوب دخترک من. خوب» مریم را بوسید.

فردای آنروز مریم مورد آزمایش کنسون قرار گرفت در آزمون زبان روسی آنچه را که از نیکلاآموخته بود جواب داده و در پاسخ گفت پنجره - سلک - است - شاه - باغ» تعریفات روسی کمتر بخاطرش میآمد.

دقایق رنج آوری بود میزداشت بیش از حد توانایش ابراز معلومات کند ولی متاسفانه از نوشتن کلمات «در - پنجره - باغ» را انکار مینمود خلاصه در مرض دوساعت فقط ۲۰ کلمه روسی ادا نمود.

باوجود این باکار نمی‌پذیرفته گردید و در کلاسهای کارگری مشغول تحصیل شد.

مدتی بعد گاه برای آموزش زبان روسی باو تعیین داده شد این شخص ابوالوف زبان‌شناس پیر بود. مریم ساده ساده و همه جا - بارخانه و مناره - گردشگاه آموزگار خودرا تعقیب مینمود. همه جا این دو «آموزگار پیر و دختر بیابانی» باهم دیده میشدند. بدین طریق مریم جدی‌ترین مانع را از سر راه ترقی خود مرفع نمود.

پس از اتمام آکادمی کروپکاپا باستانوی ادبیات وارد شد بیاد مقام آموزشی در مالی که درصدد تهیه کارکنان علوم بود باشکنه مراجعت نمود.

چندی قبل بعد او مسافرت نمود و از او خود که موضوعش واحلال حکومت خودمختار بورژوازی وضد انقلابی خودند» بود دفاع کرد. در مقابل اعضاء شورای علمی زنی کوچک اندام پیره بادمی‌رانح از پله‌های کرسی سخنرانی بالارفت او لا تعمه شروع بخش نمود. دون‌تک و توقف در حالیکه صدای خفه و لهجه غیر روسی او خود شوالی فرد روسی غیر آشنا بود طرز بیان مبتنی ماجراه روزهای سخت و تیره قهرمانانه جبهه داخلی را در نظر شنوندگان مجسم نمود.

کلیه بایگانی از یکستان را بیرون کشیده بفرضانه و بطرزی دانشمندانه بارائه مدارک و قواعد بررسی را تجزیه و تحلیل کرد. جلسه دفاعیه تراود مسکو بنحو غایبه برگذار گردید و کارش قابل تحسین و ممتاز و مهمترانه تشخیص داده شد.

مردم در جلسه اخیر شوهرش را از دست داد و تربیت دو طفل دختر و پسر خواهدش را به تنهائی بر عهده گرفت.

مادر و خواهرانش از مساعدت او همیشه بهره‌مند شده‌اند. او بسیار زود رنج بنسی راحتی نبود.

اما این زن اوبکوری که چه‌ها هیچوقت قیافه‌اش را از دست نداد نیم روشن و سحر آسای انسانی که دنیا درمقابلش گشوده شده است تجربیان او همیشه خلق بسته است.

اراده صعب جرباه و عشق پیچیده‌اش زوجه‌ها مریم‌ها را از ازدواج و ناکامی‌ها موفقانه رد میسازد.

از سال ۱۹۴۶ مریم بخصوص که به علوم تاریخ برصد تهیه نزد کترا در موضوع حکومت ملی خوارزمیا شاه و در استیون تاشکند برای بالا بردن سطح تخصص کارشناسی تدریس میپردازد. غیر از زبانهای روسی بزبانهای فارسی و عربی و فرانسه کاملا آشنا شده است و اولین زن اوبکوری است که پدرجه دانشمندی رسیده است.

بدین قسم سرنوشت دخترک بیابان وارونه گشت.

نویسنده - الکایاالاتکا

www.iran-archive.com

گفتگوئی با خوانندگان

بقیه از صفحه ۱

همه کسانیکه روزنامه مردم را میخوانند میدانند که یک راه منطقی و مشخص و اینکه جهان بینی خاص و ترقیخواهانه‌ای مبنا را معین کرده است جهت و هدف مبارزات این روزنامه را از اغلب روزنامه‌هائی که در ایران منتشر میشود ممتاز ساخته است

روزنامه ما ارگان حزبی است که مبارزه بی گیر و پرداخته‌ای برعلیه سنت های کهنه وضع اجتماع ما آغاز کرده است و سرعت و شجاع برای تهیه کردن وظیفه زندگی خیلی خدمت میکند. این حزب به گروه و جنبشی ملت ما تکیه داده و درباره همه چیز از درجه چلو این طبقه قضاوت میکند. با همه خواهش‌ها و خشمناکی که در جنبه است و همه خواهش را که در جهت منافع این قشر فعالیت میکند تازه است. بهمین جهت اساسا باید متوجه بود که درباره یک عامل بسیار مهم اجتماعی و هنری که اکنون مورد استفاده کادر دشمنان بهضت های مترقی و آزادیخواهانه ما میباشد، این حزب و در نتیجه روزنامه آن عضوی از نوع فعالیت‌های مخصوص است پرداخته باشد. اهمیت اثر اجتماعی مرتجعین هست.

همه ما از دیدن اسم هالیوود درباره بعضی از فیلم ها متنفر میشویم این بهست کار و پیشه‌های مخصوص هنری فیلم جداز خاصیت اثر عمومی و اجتماعی آن تحلیل و تجزیه‌ای میان آورده‌ایم. بنظر ما یک اثر هنری اعم از اینکه یک تابلو نقاشی، یک ساختمانه تئاتر و یا یک فیلم باشد وقتی قابلیت تحسین و تمدن است که معمولا بتوانند مردم اجتماعی را جوب به پرورانند و به توجه مردم بشناسند. ما هنر را برای اجتماع می‌بینیم و برای آنکه هنر اثر دلچسبی مناسب با شعار و هنر برای هنر داشته باشد میخواهیم ارزش اجتماعی قانون تحریری داشته باشد و قابلیت بعضی عوامل هنری برای آوردن یک ارتباط و تجلی یک مرتبه و محصولی بوجود بیاورند که محصول برای جلو بردن و ترقی دادن اجتماع دارای تمایز. یک مرتبه‌ها گی بیشتر جامعه را باعث میشود و باشتاع شاشروع و باید یک اثر هنری را موجه جلوه می دهد تا می‌توانیم وضع مردم کمتر و از این جهت که یک پایه‌های هنری این اجتماع را بخاطر پرورده کرده‌ایم آنرا دارد قیم.

بطوره ما مرج هنری مجرا از اثر هنری‌ها و زیبائی‌ها نمی‌تواند و برای یک قضاوت صحیح و صحیح درباره یک فیلم اجتماعی باید تمام جوانب آنرا با نظر در نظر گرفت و آنگاه آنرا مورد تحلیل قرار داد. اگر ما تاثیر فیلم‌های امریکائی را از جهت خاصی که برای طرفین و توده‌ها و مصرف کردن توجه آنها از امتیاز تری مسائل زندگی جهت دار جا خالی میکنیم از آنجهت نیست که کاملا از نظر عکس‌العمل‌ها بی‌هدف باشد ولی از نظر عکس‌العمل‌ها بی‌هدف باشد ولی از نظر عکس‌العمل‌ها بی‌هدف باشد ولی

بررسی جراید

بقیه از صفحه ۱

احزاب دست راست تغییر نموده وحتی حتی نیز این اجتماع عظیم عضو خاص را ترکیب و ائتلاف سیاسی نهائی ! برای مقابله با سیاست آمریکا در ایران عنوان کرده . آنچه مسلم است این اجتماع به انکار طرفداران سیاسی ایران و ظاهرا با موافقت قبلی دول وابسته‌ای حزب توده ! صورت پذیرفت . اما در بابت این ماجرا سیاسی هر چه باشد که ما از آن اطلاعی نداریم ولی وابسته ایران ما و روزنامه‌های قبلی و زنگ بسا ! مولا هر بهانه‌ای تا حالا که برای خط مشی و آزادی مطبوعات ایران ، از هر طرف و بوسیله هر کس ! با تلطیفها و ارحام و پشتیبانی ما مواجه بوده ،

چنین مردمانی در آستانه همکاری مطبوعات پرده خشی مطبوعاتی کشیدن بحث زیادی راجع به حزب توده ایران و سیاستهایشان و ضمن وضع داشتن این جریان مادر جریانات عیانی بین اینجی و اطلاق و ادعا و سیاسی که ما از آن ملا بی‌اطلاعیم با مواضع نایبه گیر مطبوعات، جراید مختلف استکبار را مانند نگاران ایران و به این مردم و غیره با اعراض و یا اللاکه واداشت .

ارگان دموکرات ایران نوشت .

«در مقاله دیروز روزنامه ایران ما درسانتر و بلاه به ایجاد یک جبهه محکم و نشان‌ناپذیر از آزادیخواهان به منظور مبارزه با دیکتاتوری مورد بحث های مختلف و اتخاذ تدبیر مثبتی موضع اظهار داشته‌اند و ضمن تاکید زیادی گردید زیرا ایران سابقه یک بحث تحلیلی از موضوع و موضوعهای عملی‌ش که چون گردید از روی حسن نیت توجه قدمات ایجاد و اسود کرده که اجتماع بزرگ دیگر از یک بحث و پیشنهادی طرفداران آقای سید ضیاء‌الدین با حزب توده ایران است . در صورتیکه همه میدانند چنین تغییری از اجتماع انقلابی مطبوعات بیشتر به تضرر و خلاصه نیست مقاله مزبور همه کسانیکه موجود را پذیرفته و انقلاب مطبوعاتی و طرفداران آقای سید ضیاء‌الدین طباطبائی هستند . در مقابل پیش روزنامه نگاران عضو جریدهنگاران ایران حزب اتحاد حزب ایران ، حزب توده‌ایران و عده زیادی از جراید بطرف باستقلال در کنه داشته و هیچکس آن هنوز و تاریخی که روزنامه ایران را از این اتحاد گردهمایی باورد . اعتبار اینکه مقالات . در چنین موضعی که توای دیکتاتوری سعی دارد پیرا قیمت شده در این جبهه تازه تشکیل شده شکاف بیاندازد بیجهت مناسب نیست . میگی استقرار در این دیکتاتوری با موضوع آن استفاده کند و آنرا وسیله رهبردن این جبهه قرار دهد چنانکه عده‌ای زیادی از ارباب جراید از نحوه تغییر مزبور عصبانی شده و انتظاری قبل مقالات را بکنوع تحریک و بقصد اخلال میدانند . بنا به این نکته و اتمام نویسنده گان مقاله گرانبها که از این پس در این قبیل مسائل که احیانا میگی است عملی در ارکان چنین جبهه بزرگ و ملی را آورده باید از انتشار مقالات تحریک آمیز خودداری کنند .»

صدای مردم دیروز در عنوان و مانور ایران مای اضافه میکند .

«روزنامه گرامی ایران ما . . . توقف نبود دعوت آقای سید ضیاء بانر مجازی از روزنامه نگاران تهران بسا تبلیغ و توافق قبلی بین طرفداران جناب آقای سید ضیاءالدین طباطبائی و حزب توده ایران بوده است دوصورتیکه . . . بسیاری از مدیران و نویسنده گان جراید تهران که به عضو حزب توده و به از طرفداران آقای سید ضیاءالدین طباطبائی میباشند فقط بنشاط مکاری مطبوعاتی آن دعوت را پذیرفته و قضیه را امضا کرده‌اند و علی رغم دسائس بعضی از همکاران محترم که خیلی زود بروه تغییر و تشتی دهند همکاری مطبوعاتی را برای تاکید اداری آزادی مطبوعات و حفظ اصول مشروطیت ادامه خواهند داد .»

«دیده» نوشتار علیه میکند که .

«صدور بیانیه برای تسلیت دیکتاتور ترای بیدمه و عبارتی که عده وسی هوه بیشتر اشوع را تایید میکند .

چون هم شد که عناصری از این مقصود میتوانند طرفداری کند چرتها زیادتر شد و جبهه ها در همه دیکتاتوری تشکیل گشت، میدانگاه رئیس که در نظر خیلی هادی‌ی عضو و سیاست جنون معالجات با دیکتاتوری تشکیل گردیده .»

ولی مقاله «و مشاوره» با موجود همراهی جوان با دزدگی نتیجه گرفته است که گویا بین چپ و راست یک ما فی اصولی شده و «دیدگاه رئیس» برعه امریکا موجود آمده و ارتباطی با ملاقات بیمعنی خورودی با نخست وزیر ایران داشته است !!

در حالیکه دفاع از آزادی طبعی مطبوعات بصری عمومی است که چه روزنامه راست یا چپی اجازه بحث های مناسبی در حسن مدافع خلقان مختلف مورد حمایت و پشتیبانی میدهند و مثلا ایران در سرمقاله دیروز که و نمایه گان هر چه دانشان میدهند میرساند و هر کسی می‌گوید ، حتی از توهین های بی ادبانه بروسای دولتها و اشخاص و مقامهای محترم نیز پرهیز نمیکنند ، اگر اگر وزیر دارائی بخواهد اجرای بعضی از نمایه گان بدون آزادی که برداشته‌ها توهین آمیزی اظهار عقیده کند تورا باستان انگیز و بیانه توهین سیاست مقدس قوانین مادی میگو بدو هو میکند ، و در مقابل آتش در سر مقاله مینویسد که «باطل و شیون نمی‌شود دو طرفی را حفظ کرد . . . مگر کسی است تذکر این موضوع به احساسات «وطن پرستانه» ما که در حال حاضر صدورت تشریحات بحود گرفته است وقتی از اینکه خیلی دانسته باشد میگه‌ای برای پیشرفت مقاصد شخصی و خصوصی شده است لطمه وارد آورد ! . . .»

این موضوع را بیشتر باید گفتاری متوجه باشد که عضو در مرکز صاحب قدرت و قوه و مقام و احترام هستند و بعضی هم بنه نیز تمامی که با مردم گرفته‌اند دریافته‌اند که همه تظاهرات و احساسات دوستانه از جانب مقامی مقتدر و چاپلوس انجام میگیرد که در نظر چاپلوس و دلاگوی ساختن خلق و ترد ، روزی مردم کشف و آشکار میرانند و عنوان اینکه این وضع موجب اندیشه مکومت چاپلوسانی و متملقین خواهند شد . اگر چنین در مرکز اجرای و قدرت و هو کند بی‌پرده عمو نکته کاین اجرا بیاسخگی و عملی باید در خواهند .

اگر کسانی در مرکز نشسته‌اند و انتظار دارند که بعد از این با ادامه جنایات عمال آنها ، خواه نظامی خواه غیر نظامی خواه امنیه ، در مواقع بروز خطر دیگر امکان دارد از احساسات « مهین پرستانه مردم » استفاده نموده و باطل و نوق و شیون « استقلال » ممکن را که فعلا دستاویز خوبی برای هیئت حاکمه شده است حفظ نمود اشتباه میکنند .

با مرور و نتیجه احساسات وطن پرستانه میشود فکر کرد میرزا آقا و رفقای تودولی میتوان اسلحه بدست گرسنگان داد و از اسلحه‌های بیروح خاطر نمود که خاطر «وطن» مبارزه کنند .

«در گذشته» نیز مینویسد .

«از سرنوشت اینطوف هاو امیر . بهار صاحب گاهی بار بیکر تجدید عقده‌های خود و امضاء آنها هستند و گمان میکنند مسکن است مارا از سیر تحولات دنیای دور نگه دارند و در چهار دیوار این قرستان خراب دزد بر بوغ خودسری و تجاوز نگاه دارند . . . عرض تو بوخیاره های سوم شهریور ۱۳۲۰ ، ملت ایران از خواب هولناک و گرانی که بیست سال اورا از دنیا بی‌خبر گذارده بود بیدار کرد . . . اما امروز همان ملت شکنجه و عذاب بعضی از حیات ملت سوء استفاده کرده‌اند که باز بیم بدهان دستگاه اعاده آن وضع تنگین را آرزو میکنند و سر نیزه های مقتدرا برای هدف ساختن سینه خلق مورد افکر و اجرای سلطنت آسیاب ساخته‌اند . . . امروز که عناصر انتشار مطبوعات خودبخود و دیر حکومت دیکتاتوری و مهیاریسم طبقه آزادی‌خواهان و روشنفکران منشور دهان نشان میدهند خوشحال جرائد پایتخت و احزاب سیاسی مختلف در مقابل این خطر مشترک هم آهنگی حالی توجهی نشان میدهند و ارادتشان آزادی باید احساس کنند که دیگر نمیتوان مردم این کشور را در اسارت و بردگی نگهداشت و باچک و شمشیر آنها را اداره نمود .»

اما تاتوی «باختر امکاوه» عقیده دارد که وطن همه های اخیر مناسبه دیده میشود که سعی جراید با کمال رفاهت و بیشرمی . مقالات و مطالبی علیه مقام سلطنت و در نگاشت و خیال خودشان خواسته‌اند از این راه برمیدان فروش ورق پاره های خود بخواهند و باین طریق عقد و گره‌ای کسب جاهت و شهرت کنند و « تازه این جریده هم سعوی متناسبانه صله بر ایرانی مقام سلطنت میگوید ما میخواهد میباشد که مادران عده این مقام میتوانند « زمیران فروشی در پاره های خود بخواهند » و در میان مردم « کسب جاهت و شهرت کنند »

باین ملی قیام ایران عرضه میدهد که

« از طرف ارتش یک لیست ۱۳۰۰ نفری برای آهی فرستاده اند و خواسته اند که این عده را اخراج بامنظور خدمت کنند ! . . . مخبرما بالاخره موفق شده است که اسامی صدهای از اخراج شدگان را بدست آورد . . . پیش از اینکه این اخراجها شروع شود یکی از وابسته‌های خارجی خبرداده که چون اسلحه های امریکائی روزی بایران حمل خواهد شد ارتش را آهن می‌دهد دولت عده‌ای از کارمندان آن بنگاهها اخراج نمایند . . . » و آقای صدر در مرکز اعلام میکند .

« بعد از دوره ایمنی که در مرداد ماه سال گذشته بعد از نطق در مسجد سپه مکومت نظامی مرا توقیف کرده بود قوانین اساسی بوسیله آقای مکی بمن پیشنهاد شد که من از توقیف بوی اعلام و این دستور از جانبی بوده و نظامی ها مرا توقیف کرده‌اند . وقتی قبول کنیم اینکه قدرت قوام السلطنه حکومت دیگری غیر از دولت وجود داشته که پیش خواهد میگرفت و مطلع توقیف اشخاص را صادر میکرد . . . از حکومت مردمی میگفتند که هیچ صحبتی نیست که از آنچه دوشمال و جنوب صلاحیتی گذرد بی خبر باشد . »

مثلا نطق توقیف همین روزنامه و گفتوبیا زمین های هموار اطراف ملوه هم و قسمتی استفاده ، تشخیص داده‌اند (البته برای قروه گاه بمنظور حفظ « امنیت داخلی ») و چند روز است چند هزار نفر از قروه بیکاری و از مواضع اطراف عده برداری میباشد . »

و خبرگار جهانی رسیده است که « در بیانیه عامل امریکا بسوی قروه گاه مازوت بسته بود از بعضی یک جنایات ایران عل میکند . »

و « تقاضای وزارت جنگ دائی بر دوبی آن مبلغ بر بودجه مورد نیاز پاسخگوی بر گزیر ایجاد شود زیرا تا آوردن ارتش فرسوده بود از درآمدهای عادی کشور را صرف میکند . » بطوریکه میزان ایران استخلاص عمال خارجی دارد که روزنامه رعد در شماره ۱۷ (دوره ۱۹۱۱) خود گفته بود . « بر بازاری طولانی و ارتش فرسوده خیلی بد باری ما فقط حافظ ارباب و فرد های نظام میباشد . . . عقیده شخصی من . باید غالب افسران عالیرتبه را تعویض و از دو بهر فرقه این ارتش را مطیع نمود و بجای خود نشاند و اتصال آنرا با دربار قطع کرد . در حقیقت صحیح ترین راه کار است که ارتش را یکی متحد نموده و (تعاریزی را حل احتیاجات و مقتضیات بعضی دوست کشور بحسم اکثر جبر نمود . زیرا صاحب یک تاکنون هر ساعت عقده است میلیتاریسم با این اشتهای سیری ناپذیر و روح پرخاشجو و گستاخش درست از چهارجهت در سراه ترقی و پیشرفت ایران قدر افراشته است .

من در اینمورد باعلیحضرت شاه عرض کردم که اگر بودجه ارتش افزایش یابد ما برای کشاورزی و تعلیم و تربیت و با بهداشت عموم کاری نمیتوانیم صورت بدهیم ایشان در جواب فرمودند بسیار خوب ، پس ما باینطی این قبیل چیزها را بتعویق بیاندازیم .

و برای من مرا بیکار خاطره بود که در یک چنین موقع دلواری خودرا بحضور محافظت بنا اعلیحضرت شاه (یکنکم پس روی این نظرها ما باز دهاد مبلغ ۱۰ میلیون دلار بودجه وزارت جنگ موافقت نمود . . . » نایب کان مجلس شورای ملی که برای یکی طبیعا خوشم شدی برای نظام دادن نسبت به امثال نایب منوچه‌ها از آن بعدی کرده .»

انحطاط هنر در ایران

بقیه از صفحه ۱

البته کشورهای دیگری را میتوان نامبرد که غالبه فرهنگ و تمدن بوده باشند مانند مصر یا کشورهای آسیای جنوبی و مرکزی . ولی در ایران وضع غیر از آنهاست . در آن کشورها علاوه بر عدم یک تاریخ وسعت فرهنگی بزرگ عده عناصر و افراد نهیده و روشنفکر بر بسیار معدود است . ولی در ایران وضع غیر از آنجاهاست . در اینجا از حیث فرهنگ و وجود اقتصادی و روشنفکر وضع کاملا متفاوتی وجود دارد . استعدادهای جوانی هستند که غالبا . موزیک و سایر رشته های هنری را خوب فرا گرفته‌اند . حتی در کشورهای اروپائی و سایر کشورهای شرق نیز کمتر بنظر این استعدادها میتوان برخورد و با همه اینها مانع و انحطاط فرهنگی در ایران بسیار غیر منتظره و بدون دلیل جلوه میکند .

گاهی ایرانیها ادعا میکنند که علت این امر فقر و نداشتن ثروت است . ولی باید دانست که فرهنگ با ثروتی چیز دیگری و قابلیت و قوه هنرنمائی یک چیز دیگر . تازه اگر فقر و باختری نبود وجود داشته باشد لازمه‌اش آن است که فرهنگ باستانی و دیرین ایرانی با استفاده از مظاهر و قواعد فرهنگ جدید شکل ایرانی و ملی خاص خود را حفظ بکند همچنانکه فرهنگ و هنر باستانی ایران نیز با استفاده از فرهنگ ملتهای دیگر بوجود آمده است .

مثلا اگر در نظر گرفته شود که هنر سینما نیز برای اولین بار در صد و چین بایران آمده و شکل خاص و تکامل بافته‌ای بخود گرفته است ، حتی این ادعا چندان آشکار میگردد و اساسا هنر و فرهنگ تصادم و تاثیرات متقابله خود داشت مثلا هنر اروپائی و تکامل آن بطور کلی در سایه خود و تاثیر مقابله هنر ملی کشور های گوناگونی بوجود آمده است . رنسانس ایتالیا محصول خود هنر باستانی بوده و به تاثیر چین و رنسانس مکاتب مدرن هنری اروپا را ایجاد نموده است .

با این ترتیب دیده میشود که تاریخ فرهنگ و هنر بشری اصولا عبارت از تحول تاثیرات است

البته منظور این نیست که با بدست بزرگی دست نیاه و در انتظار نمود فرهنگی نشست ، بلکه همواره باید در جستجوی سبکها و مکتب‌های جدید بود و پیشواز هر جدید و پذیرفتن و حتی که از جدید پیش در ایران مگر ماست . بزرگی چه و کود و سکوت نیست این نظر کوبیدن در کلیه شئون فرهنگی و هنری ایران مطبوعات .

بالاتر وضع توجه و توصیف وضع حاضر ایران ، از نظر فرهنگ غلط و غیر منطقی است .

علل انحطاط فرهنگ و هنر ایران را باید در وضع عقب‌مانده اجتماعی اقتصادی و سیاسی آن جستجو کرد . زیرا همواره هنر در دنیا و در ایران ، معلول و بازتاب وضع مذهبی و خلاصه عقب‌مانده وضع و صورت بندی اقتصادی و سیاسی جامعه بوده است . و تحولات فرهنگ و هنر با تحولات اجتماع رابطه و بستگی داشته است . هنر در اروپا ایجاد و خدمت کلیسا ، بانقاشیها و قهوه‌ها ، بوده و بعد در خدمت سرمایه‌داران و صاحبان صنایع تازه بوجود آمده و گذاشته شده است . در اروپا هم کاون هنری که با سرمایه‌داری خدمت نهفته ، از مسائله خودداری ، انحطاط سوق یافته است .

در ایران از این حیث وضع کاملا عامی و بوده‌ای و هنر آن بوده که امکانی واقعی از وضع اجتماعی است احتیاج ایران مجموعی از فئودالیسم ، شبانی ، و سرمایه‌داری است . آن است از هنر ایران که در خدمت این طبقات گذاشته شده است با انحطاط و عقب‌مانده گی قدیمی توان میباشد طبقات حاکم ایرانی جلب جهل ، نداشتن فوق هر دوستی ، وحشی دشمنی و خصوصت با فرهنگ و دانش دشمن‌ها این انحطاط کمک میکند . و این جنبه نظیر بلائی است که سرمایه‌داری بزرگ و متنفذ و هنر اروپا و آمریکا بر سر هنر و هنرمندان میآورد .

محبوس زندا

چه فایده دارد انسان اینهمه بر سر مالوود دست کند . پیشروی ملاکرمانا فیلم‌برداری بوقایه آوتینس که بوسیله خانواده‌موزگان و رو کفلر اداره میشود بنازد . با ابلهای نشئه مادلین کارول و سیلیهای زیبای دو کلاس فرنگی‌جوان را چیزی نمیرد و آنهارا بازی نگیرد جمعی با این مدامیس که از چپ و راست بانسان حمله میکند .

شما اگر جرات دارید از طروری یک قاطر چموش بیاموزید را بردارید بالاخره هالیوود برای یک عده‌ای اگر قله نباشد بوته که هست .

بهمین دلیل است که من تصمیم دارم بجای اینکه از هالیوود چیزی بنویسم برای شما یک افسانه بگویم بدون اینکه دوبیاست هم داخل شده باشم .

یکی بود و یکی نبود غیر از والی امنیت هیچ‌کس نبود ، در عهد دقیانوس در کشور تنبه پادشاهی بود و دوبیر داشت یکی را رودلف پنجم مینامیدند و دیگری را مایکل .

رودلف را سیمای زیبا و سینی دو کلاس بود که از چهر بارت داشت بالنگی مایکل را قیافه‌ای خراشیده بود که برای سلطنت تناسبی نداشت . زان دوبرادر از سر تاج و تخت تراهم سفیانه در گرفت .

قضا را روزی رودلف در جنگل با جنلمنی از اهل ماوراء مانش که بقصد شکار بکشور او آمده بود روبرو شد و او را از حیث ظاهر جنبه چون خود پاک نگر لقب‌ای بر زنج او رودلف بود .

رودلف که با مونی از دوستانش بشکار آمده بود اجنبی را بشب‌چره دعوت کرد .

بامداد آنشب که دوستان سرازبستر برداشتند رودلف را بیهوش دیدند بدانسته که جاسوسان مایکل رودلف را داروی خواب آورده رجسام کرده‌اند . مایکل را قصه این بود که رودلف در جنگل تاجگذاری تواند حاضر بشود و او بوده سلطنت نشیند اما دوستان خدا را چنین سوار کرده‌اند .

ریش مرد اجنبی را بتراشیدند و لباس سلطنتی بر او پوشانیدند و با انتظار سلطنتی بکاخ شاهی آوردند . بالنتیجه ، اجنبی را قیافه رودلف چنان بود که هیچکس حتی مایکل که با او دریک جا همواره بزرگ شده بود نتوانستی شناخت . چهره او بچهره رودلف ، هیکل او هیکل رودلف ، حرکات او حرکات رودلف آهنگ صدای او و خصوصا سیلیهای دو کلاسی او . تنها مشکله بود که تغییری در رودلف احساس کرد و دریافت که رودلف با او خلاف سابق محبت بر سر میآورد است . پیشروی ملاکرمانا فیلم‌برداری بوقایه آوتینس که بوسیله خانواده‌موزگان و رو کفلر اداره میشود بنازد . با ابلهای نشئه مادلین کارول و سیلیهای زیبای دو کلاس فرنگی‌جوان را چیزی نمیرد و آنهارا بازی نگیرد جمعی با این مدامیس که از چپ و راست بانسان حمله میکند .

شما اگر جرات دارید از طروری یک قاطر چموش بیاموزید را بردارید بالاخره هالیوود برای یک عده‌ای اگر قله نباشد بوته که هست .

بهمین دلیل است که من تصمیم دارم بجای اینکه از هالیوود چیزی بنویسم برای شما یک افسانه بگویم بدون اینکه دوبیاست هم داخل شده باشم .

یکی بود و یکی نبود غیر از والی امنیت هیچ‌کس نبود ، در عهد دقیانوس در کشور تنبه پادشاهی بود و دوبیر داشت یکی را رودلف پنجم مینامیدند و دیگری را مایکل .

رودلف را سیمای زیبا و سینی دو کلاسی

برای رفع بعضی سوء

بقیه از صفحه ۱

ما بسیار تعجب میکنیم وقتی می‌بینیم بعضی همکاران ما برای پیدا کردن تغییر های متنوع و مفلوط ایفلوز بخود زحمت میدهند، مسائل موهوم و خیالی را پرورش داده و علاوه بر آنکه خوانندگان خود را گمراه می‌سازند وسیله‌ای برای تحریک بدست مخالفین میدهند که دیکتاتوری میسازند.

همکاری قابل تحسین روزنامه های مختلف السلطنه تهران برای دفاع از هدف مشترک «حق آزادی» یک حادثه اجتماعی منطقی است که بواسطه تهیه آشکار طرفداران اصول دیکتاتوری وضعی مایوسانی و بالنتیجه پیدا شدن روحیه مشترک نیروهای در میان جراید مختلف برای دفاع از حقوق مطبوعات و آزادی های سیاسی، بوجود آمد. همکاری که حتی مذاکرات درباره تشکیل چنین جبهه همکاری مطبوعاتی در میان بود، هیئت اجرائیه حزب توده ایران در اعلامیه ۲۵ فروردین ماه خود بدون نظر گرفتن وضع سیاسی امروز کشور پیدایش جبهه چنین همکاری ها را ممکن ولازم تشخیص داده بود و کلیه عناصر مطالب بازدگی و دیکتاتوری را بکوشش دسته جمعی در راه «هدف مشترک» دفاع از آزادی دعوت نمود.

استقبال اکثریت روزنامه ها و محافل مطالب سیاسی از فکر کوشش دسته جمعی در راه هدف مشترک نیز بدون شوق و رغبت افکار عمومی ایران برای دفاع از مشروطیت و قانون اساسی بحوی نشان میداد که این «هدف مشترک» عمومی واقعا وجود دارد و نیز واضح میساخت که این «هدف مشترک» موجود آنقدر قوی و نیرومند است که بتواند موجد یک همکاری وسیع گردد.

نمایندگان مطبوعات حزب توده ایران فقط در نتیجه اطمینان بوجود «هدف مشترک» و کافی بودن آن برای ایجاد یک همکاری نزدیک و مفید بحال ملت ایران دعوت جلسه هیأت رئیسه را پذیرفتند، هرگونه اظهاری بر خلاف این حقیقت روشن که جوانه هدف روزنامه های حزبی مارا از قبول دعوت هیأت رئیس، یک هدف خصوصی و یا یک «مانور سیاسی» بدانند و یا آن را در نتیجه «مواضعه خاص» روزنامه های حزب با سایر دسته عمومی بدانند کاملا غیر منصفانه و منحرف آمیز است. جای تعجب است که اینگونه نسبتها زمانی ساخته شد که حافظ سیاست حزب خود را در این مورد باصراحت هرچه تمامتر اعلام نموده بودیم. عناصر مقاله اساسی ما قبلا گفته بودیم که ما بدون توجه به آنچه که در بدو نشریات خود ما در شش سال و نیم فعالیت آن آشنا بوده‌اند از این حقیقت مطلب که ما هیچگاه حاضر به شرکت در بدو نیت‌های خصوصی و نزاعهای جدیدی و عملی نبوده‌ایم، بلکه در موارد همکاریهای نظیر همکاری مطبوعاتی اخیر منحصرا منافع آزادی و استقلال ملت ایران و دفاع از حقوق مردم بیشتر خواهد نظر داشته‌ایم.

در آن زمانه ما با همکاران مطبوعاتی مورد داوری نمودیم که چه بیک هدف مشترک و عمومی این همکاری اینجا عمل مطبوعاتی را از نظر دور نداشته و آنها را وادار به مبارزه و انتشاری محاسبه میساخته در راه مصالح عمومی آزادی ملت ایران و اعتبار از ارتباطهای خصوصی و دعوت گردیده در این مورد به نقطه ابهامی در سیاست حزب ما موجود بوده و به منظوری ایجاب میکنیم که بعضی همکاران محترما بر خلاف انتظار به تعبیرهای نادرستی پرداخته که با جنبه اجتماعی حزب توده ایران و نیز با مصالح هدف مشترک مطبوعات که خود آقایان کوشش در راه آن را نموده گردیده‌اند منافات داشته باشد.

چه عجب برای بعضی همکاران حزب ما موجود که با موجود بطلان این که همکاری مطبوعاتی اخیر فقط یک جبهه بسیار وسیع است. فقط بطلان دسته سیاسی را که در گذشته با حزب ما تلاش ساخته‌اند است بیان نکنند وسیله‌ای بصورت یک بدو نیت خصوصی بین حزب ما و دسته سیاسی جلوه گر سازند؟!

اگر در کلیه انتظار اینگونه تعبیرات از طرف بعضی همکاران ما در واقعی نگاه‌داشتن عمدتی در خواسته گان خود «دریافت و اطلاع بدهد و بر علت عضو اینچنین تعبیر دیگر دسته باشد» باید بگوئیم که دفاع آزادی از اینگونه تعبیرات مشوه دور زده نیست. زیرا آنها با موضوع مبادی بحث مباحثه نداشته اند این را با «اصطلاح وجوه» گفته، آزاد وارد قلمرو بدو نیت خصوصی باشند هائی که در سیاسی با آنها مبارزه سیاسی کرده است منتهی‌ها و از طرف دیگر روزنامه‌های دیگر این امر که بطور «هدف مشترک» وارد همکاری مطبوعاتی شده‌اند سبب همکاری این همکاری طلبی نباید و کوشش بعمل آورند تا بصورت بدو نیت مطبوعاتی کوبیده تواند آن نیروی زیادی نگرده است ریشه کن کند.

ما نمیخواهیم بعضی دیگر از همکاران ما، که تاکنون با اصطلاح وجوه بدو آنها بیش از اینها باشد، با اصطلاح‌های توجه به ردیف کردن آنها بیش دارند در گذشته‌های حزب ما را در مبارزه مشترک عمومی بیطرفانه از آزادی صورت یک موضوع بدو نیت آور و جلوه دهند و حتی برای بیان این واقعه و نیت آور اعلام کنند و بالنتیجه از طرح جرید.

تکرار اینگونه مطالب بسیار ناپایدار است مبارزه حزب توده ایران در مبارزه سیاسی خود را برای تقویت هر جریان دسته جمعی سیاسی علیه برای آزادی ملت ایران نشان داده است. حالیکه حتی در همان روز اجتماع محل روزنامه‌های حزبی ما همه گفته‌ها و تصمیم‌ها در آن اجتماع عمومی همکاری حزب توده ایران توصیف شود و مقدمه‌ای مقدمه گذشته و بیان حقیقت توجه کرده که و حزب ما از همان ابتدای تشکیل و فعالیت خود بر مبنای توجه داده است که همکاری میان افراد و اجتماعات و دسته‌های که بعضی مشترک استقلال و آزادی ایران و قانون باشد ممکن و لازم است.

ما برای ایجاد چنین همکاری در موارد مختلف و چگونگی ادامه در گذار نگرد و موجود بخشنامه روزنامه‌های حزبی خود همکاری که ترا، اجتماعات و مطبوعاتی را در هدف مشترک، هرچه بطور موقت، علامه نشان داده‌اند، در اظهار موافقت با آنها و جلوی که حاضر به دفاع از درخواست‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه ملت ایران نوشته‌اند همیشگی خواهد داشت.

. ما برای حضور نمایندگان حزبی ما در جلسه مشورتی قبل رئیس و تایید لزوم همکاری جراید برای دفاع از آزادی سیاست تازه‌ای نیست بلکه ادامه سیاست همیشگی حزب توده ایران محسوب می‌شود.

با چنین توضیح صریح ما امیدوار بعضی همکاران ما چه «سوء ظن» و انکار و بدانکه بسته دارند دیگر اینکه صفحه‌ها را بدون حزب توده را بنمو مرد بدانند تا اینکه گوشه‌ها و نه را بی‌ارزش یا دیکتاتوری را تصحیح کنند و چنین بنویسند که گویا ما خود طرفدار برقراری دیکتاتوری پرولتاریا هستیم! ما تصور میکنیم افراد چنین اتهامات دارد، اگر چه نمیتوانند هیچ چه ما هست کوشش پیرامون حزب ما را در راه دفاع از آزادی و مشروطیت ایران در صفحه‌های دیکتاتوری ایران که مورد تصدیق همه جراید مختلف السلسله در مجلس رئیس واقع شد باشن پاورد ولی برای روزنامه‌هائی که مورد نظر ادعای «اطلاع و دفترداری از آزادی» را دارد تعریفه نیست و شایسته تر است که در این عناصر نادرست تجدید نظر شود.

ما برای رفع هرگونه سوء تفاهم، باز تکرار میکنیم که روزنامه‌های حزبی ما جز برای دفاع از آزادی و مشروطیت ایران جز برای تامین یک هدف مشترک و عمومی مقدس همکاری

مطبوعاتی را قبول نکرده‌اند، روزنامه های حزبی ما وارد هیچگونه بدو نیت خصوصی با هیچ مقامی نشده‌اند و این اتهامات را قویا تکذیب میکند. روزنامه‌های حزبی ما در تنها حال که اصول اساسی معتقدات سیاسی و اجتماعی خود را با کمال قوت حفظ خواهند کرد با کمال صمیمیت حاضر به همکاری وسیع جامعه مطبوعات برای تعقیب هدف شرافتمندانه و دسته جمعی از آزادی و مشروطیت ایران میباشند و از همکاران خود دعوت میکند که این راه مشترک را بدون انتها بهر گونه تحریکات، صمیمانه ادامه دهند.

در مجلس چه خبر بود

طرح یک دوازدهم بودجه دوباره به کمیسیون رفت

آقای ملک مدنی عقیده داشت: خیانت زمامداران کشور را باقلاب خواهد کشید.

آقای امینی از آزادی مطبوعات دفاع کرد و بتوقیف کارگران اصفهان اعتراض نمود

ساعت ۹ و بیست و پنجه دقیقه صبح دیروز مجلس بریاست آقای سردار فاخر حکمت تشکیل شد وزراء همه حضور داشتند.

طرح یکدوازدهم بودجه

به پیشنهاد آقای وصوی شیرازی طرح یک دوازدهم بودجه مطرح شد.

آقای مکی با وجود موافقت با طرح مذکور ایراد که کسرای را لازم دانست و سپس درباره فشار مالیات بر دوش طبقات مردم و چهارمطالبی اظهار داشت و رویه مامورین اخذ مالیاتها تصبح و اخراج کارمندان نامدار تقاضا نمود.

آقای حائری کفایت مذاکرات را پیشنهاد کرد اما آقای ملک مدنی مخالف بود و روبهٔ سهل انگارانه دولت اعتراض نمود. از بیکاری بیست هزار کارگر نیروی، از بی اعتنائی گرسنگان و از همه جا صحبت کرد و معتقد بود چنانچه بعدا شروع بکار شود، راه آهن نسازند کار ایجاد نکنند خیانت کرده و مملکت را بحرف انقلاب سوق داده‌اند.

پیشنهاد آقای نراقی

آقای نراقی پیشنهادی برای پرداخت قرضه بانک شاهی تسلیم نموده و اظهار داشت قرضه مذکور استقلال شکن است و امروز کمپانی مواد چنوب حق مورد تعدیات آقای دکتر رادمنش و قرضه مذکور بانک آنگلو ایران داری بیشتر اظهار داشت که در این باره مکرر شده ولی آقای نراقی گفته کرد که چرا قبل از طرح پیشنهاد با خودایشان مشورت نموده‌اند و با وجود با تمام مذاکرات راجع به پیشنهاد بعضی کمیسیون بودجه طرح یکدوازدهم با پیشنهادات رسیده بکمیسیون بار گشتند یکبار دیگر طرح یکدوازدهم بودجه مجدد بکمیسیون بودجه برای گذشت.

طرح استیضاح

آقای ابوالقاسم امینی بارادات خود بر دولت ادامه دادند، از مخبر بیکاری بحث کرد و در این حال خلوق دوساله آقای وزیر دارائی را که بالغ بر سی هزار تومان میشد گوشزد نمود.

آقای امینی از مرحله جوانی‌های دولت و ادامه اتومبیل خدمه‌ها در قرون‌های ادارات سخن بمیان آورد و ضمانت قرار داد که اتومبیل در اختیار آقای وزیر دارائی و خانواده ایشان میباشد و حتی در مسافرت خطوط هر دو اتومبیل دوره استفاده قرار گرفته است.

آقای امینی از اقدام بودجه های استخباری کارمندان دولت بحث کرد و ایرادی وسیله اجتماع داشت وزیر دارائی را مقصر دانسته و از آنگاه بودجه اعتبار خلی پرداخت و درباره مسئله ارز، تصرف جای دیگر و گفت بنه بانکی نبود حتی وزارت اکثاورزی را درباره صدور حواله جنگلهای شمال مورد حمله قرار داد و روزی داد گستری را باعمال غرض خصوصی در اعلام جرم علیه آقای فرامرز اسفندیاری متهم نمود.

آقای امینی عقیده داشت ما رجالی مثل نرومن، چرچیل و دوگل کم داریم و بایستی آنها را تمرین‌ال کنیم و قوام، السلطنه را در معرض به نامیدی قرار دهیم.

آقای امینی سیاست استثمار دولت را مورد انتقاد قرار داد و از اینکه همیشه بایستی اعمار کشور را از محرای بودجه‌ریزی و وزرا بدست آورد ابراز تاسف کرد و رویه دولت در مورد توقیف شاعره هنر از کارگران اصفهان اعتراض نمود.

آقای امینی مدیر روزنامه بهمن و آقای بایمه مدیر کل تبلیغات و مدیر مجله صبا را اعضای نمایش شعرا و درهمین حال آزادی مطبوعات را لازم دانست و مادهٔ ۱۹ تصدیق مطبوعات را مورد انتقاد قرار داد.

در پایان بیانات خود، آقای امینی موضوع تغییر سیاسی و جراید ایالتی کشور را در صحنه سیاست جهانی مورد توجه قرار داد و وجود دولت مدیر و توانا را لازمه مواجهه باسائل بحران بین‌المللی دانست و دولت ناتوان ملی را ناصالح شمرد.

آقایان شاهرودی، دکتر مجدی وزرای کشاورزی و اقتصاد ملی هر یک از وزارتخانه های خویش دفاع کردند و دفاع اساسی را بعهده آقای وزیر دارائی گذاشتند و آقای جم پاسخ استیضاح کنندگان درباره هزل و تعجب کارمندان دولت، صدور وجوه و حقایق، برنج، مسئله جریمه‌ای پرداخت وظیفه داشت که وضع مسئله عمومی بودجه دولت حاضر گنجایش بیشتری یافته و در این باره باقدامات وجود دولت حاضر استناد کرد که دم درورودی صحن حضرت معصومه بحریه یک میلیون توفیق یافت و وقت بدها پرداخته طول عمر و آقای وزیر الوزراء را که فرمانروایان قلل یافت میشود در کاخ بازسازی تقاضا کرده.

آقای جم عقیده داشتند اقتصادی که متمکن هستند تابع از دستگاه دولتی استفاده کنند، مگر آنکه وجوه‌ان ضرورت داشته باشد.

بعضی از نمایندگان، آقا با آنها کار مرجع بکنید.

آقای جم، آقا نمیکنند، اینجا نمیکنند، اینجا نمیکنند، (عده عده نمایندگان) سپس آقای جم دفاع از آن قسمت اظهارات آقای امینی که ایشان را به ایجاد تلخ درمیان کارمندان دولت متهم کرده بودند پرداخت و دولت را در تدوین تعدیلات های استخباری محق دانست.

ختم جلسه

سه ربع بعد از ظهر پس از یک ساعت گفتگوی در تعیین وقت جلسه آینده جلسه روز آینده ساعت ۹ و صبح و کول گردید در حالیکه هنوز تکلیف دولت معلوم نشده بود.

پیروزیهای جدید...

بقیه از صفحه ۱

استقبال بسبب اینکه هم در برج عراقیه روزیه.

۲ - مداخله کابینای کاتولیک بدین معنی که خودپاپ واسقفهای ایتالیا برای تحریم انتخاب نماینده‌گان کمونیست از هیچگونه کوشش مضایقه نکردند و از هر به منصب برطبه آزاد بخواهان استفاده فراوان نمودند.

۳ - مداخله خود دولت، بدین قرار دولت که زمام امور را کاملا بدست داشت از تهدید به آزادیخواهان و اعمال نفوذ بی‌نظیر بول بین‌ای دهنده گان خودداری نکرد.

با این وصف نتیجه‌ای که هاله احزاب دست چپ ایتالیا گردید و تعداد آرائیکه بنفع این جبهه بصندوقها ریخته شد، میزان استحکام موضع جبهه دمکراسی را دادر ایتالیا بخوبی نشان داد.

باعده این تهدیدها و تطمیعها نه تنها از قدرت جبهه دموکراسی کاسته نشده بلکه آرائی بیشتر از انتخابات ۱۹۴۵ نصیب این جبهه گردید.

یک نظر به نسبت آراء و کمیت انتخابیکه رای‌های خودرا بنفع جبهه دمکراسی بصندوقها ریخته اند میزان قدرت این جبهه را بخوبی مشخص میسازد. آرائی که بنفع جبهه دموکراسی داده شده است، معرف عقیده طبقات عمال، مولد ثروت ایتالیاست. کارگر ها، دهقانان و جوانان ایتالیا آراء خود را بنفع دموکراسی بصندوقها ریخته‌اند. جبهه دمکراتیک ایتالیا بدین ترتیب بر نیروی عمال و موثر کشور تکیه دارد. در صورتی که جبهه ارتجاعی ایتالیا، دوگاسپری و اربابهای امریکائی و دیر نیروی بیر زنان، کشیشها، راهبه‌ها، علامه بازاریها و عناصر فلسح اجتماع تکیه‌زده است و همه تهدیدات و تطمیعات جبهه امپریالیستی در این قبیل رابطه‌ها واقع گردیده.

اعتصابات و مشیکهای پیش از دوره انتخابات، قدرت انسکار ناپذیر جبهه دمکراسی را بار دیگر جبهه دمکراسی را بار دیگر به اثبات رسانیده و دوگاسپری را بگرات بعقب نشینی وادار کرده است.

با این ترتیب کلیه اتهامات مبنی بر اینکه جبهه دمکراسی درصدد تهیه مقدمات انقلاب و یا باصطلاح «اغتشاش» در ایتالیا میباشد کاملا بی‌پایه و اساسی می باشد و پالمیرو تولیاتی دیروز در مرکز مقاله روزنامه «اونیتا» این اتهام را بکلی رد کرده است.

در چین جبهه دمکراتیک جهان، درضمن آنکه حملات شدید به ارتجاع جهانی را در اروپا بالخصوص استحکام بلاکرگذاشت و بکلیه دیگر ویژه‌های عمق نهضت دمکراسی ایتالیا را آشکار ساخت، درخاورمیانه، همان پامونفیت و پیروزی انکار ناپذیری در جبهه‌های برجسته‌گر ارتجاع چین و امریکا بدست آورد.

با اینکه جبهه‌ایکه، مدتی کمی از این ادعا کرده بود که حکومت ولی باتجدید نظر در سازمانی و نه کمیته‌ها ارزش‌های جات ملی چیزی از بیشتر باز خواهد داشت، تا کنون هیچگونه اثری از نوع پیامن چین و سیر بهار معلوم نیست.

بطوریکه خوانندگان ما امروز در گزارش «ما توانسته‌ایم» در مورد آزادی چین خواهند دید، شکست در اعتصاب آور نیروهای چیانگ‌کای‌شک معلول تمرکز ارزش جات پخش نیروی بلکه تمرکز متروراه ارزش کوی کاتک بوده است.

این تمرکز تقریبا میزده‌ماه‌ها بنا کثرت عده‌قوای کومینتانگ واسطه و مهمات و قرضه امریکا آغاز گردیده و در آن زمان حتی ارتش دولتی پایتخت چین آزاد «بنان» را بتصرف درآورده بودند.

ولی از همان زمان بیدا شکست مقدمه ارزش چیانگ‌کای‌شک آغاز شد و ارامی و صبح و صاح پیکرانی بنفع نیروهای آزادیبخش در آمدند است اکنون نیروهای ملی در ۱۵۰ کیلومتری شانگهای، ۲۰۰ کیلومتری چونگ‌کینگ و ۲۵۰ کیلومتری تاتیکه میچکند بلاوه این نیروها برای اولین بار وارد «انیلزوز خیز دسچوان» گردیده‌اند هم اکنون خبر تصرف مجدد «بنان» با پخت کمونیستهای چین بدست ما رسیده است.

در تحت چین قرارهائی زیرزمین چیانگ‌کای‌شک مجددا از طرف یاران ارتباط و فلاکی چین با «اختیارات فوق‌العاده» به ریاست جمهوری چین منصوب شده‌است این انتصاب باعث هووجنجال ایالتهای امریکائی بخدری مسخره و افتضاح آور است که خود وپش رادیو لندن درمورد او را در «مرکوی کمونیستها» و «اصلاحات داخلی» به یاد مسخره گرفته و گفته که دولت ولی بهیچوجه قادر به مقاومت در برابر افکار عمومی چین و فشار نیروهای آزادیخواهی خواهد بود.

رادیو لندن از قول معبر خود در چین خبر داد که در چین جوی افکار عمومی کاملا از دولت مرکزی منحرف است و کاملا از کمونیستها پشتیبانی می‌کند.

بازهم کار شکنی در آزادی
آقای حسام لنکرانی

کارشکنی در آزادی آقای حسام لنکرانی ادامه دارد، بایستی حکم توقیف مجدد ایشان باز گرفته است بعد اینکه از آزادی ایشان خودداری میشود.

ملاحظه میشود که دادگستری در پرونده آقای حسام لنکرانی آنکارا اعمال غرض و تبعیض میکند و این موضوع را درجائی رسانده است که موجه افکار عمومی و موجب سلب اعتبار کامل از وزارت دادگستری شده است.

خوانندگان ارجمند اطلاع دارند که محمود نامجو کارگر و ورزشکار ایرانی اخیرا در مسابقه‌های لندن دور گورد جهانی با حلقات قاطعی شکسته است. کلیه روزنامه‌ها و مجلات ورزشی جهان درباره موفقیت نامجو شرح‌های می‌کند. امید میرود ایشان درمسابقه‌های المپیک لندن نیز پهلوان عالی شایسته‌ای بود.

این آخرین عکس آقای نامجو درجهان یکشنبه از ورزشکاران خارجی است

نیروهای کمونیست چین پایتخت سابق خود را پس گرفتند

اکنون شهر «بی‌نان» در تصرف کمونیست‌ها است

مرکز آزادی آسوشیتدپرس اطلاع میدهد که بامداد دیروز نیروهای دولت چیانگ‌کای‌شک شهر «بی‌نان» پایتخت سابق کمونیست های چین را تخلیه کرده و کمونیستها یکبار دیگر این شهر را اشغال نمودند.

شهر «بی‌نان» مدت پانزده سال پایتخت کمونیست های چین بود و در ۱۹۴۷ بدون حمله بر طرف نیروی کومینتانگ اشغال شده بود، اکنون بار دیگر این شهر از طرف کمونیستهای چین باز پس گرفته شده است.